

# آداب رفتار با دختران

نویسنده : معصومه حیدری

## اهداء

تقديم به :

سید المرسلین ، سفیر الهی ، نبی مکرم اسلام حضرت محمد بن عبدالله  
ﷺ .

پدر نمونه و شایسته ، امیر المؤمنین علیه السلام ، مولود کعبه ، بزرگ مظلوم تاریخ ،  
شهید محراب .

پاسدار غدیر ، مادر نمونه اسلام حضرت فاطمه علیها السلام که فرزندان شایسته ای را  
همچون امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام و زینب و ام کلثوم پرورش داد ، به  
روان پاک او دخت نبی ﷺ و همسر علی بانوی شهید اسلام .  
دختر گرامیش زینب کبری ، مبلغ رسالت عاشورا و بدیگر دست پروردگان  
فاطمه چون فقهه طاهره .

خاک پای سالار شهیدان که آبروی هستی اند ، ابا عبدالله الحسین علیه السلام ، آنکه  
از ابوالبشر تا خیرالبشر در فقدان و در مصیبت او گریانند .

آخرین ودیعه الهی ، دادگستر جهان ، منتقم خون شهیدان و وارث نهائی غدیر  
حضرت ولی عصر روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداه .

پویندگان راهش ، زمینه سازان ظهورش ، منتظرانی که خود صالحند و در راه  
اصلاح جامعه تلاش می کنند ، به آگاهان دلسوخته و عاشقی که با قلم و بیان و  
عمل خود ، اهداف مقدس آن حضرت را تبیین و تفسیر می کنند .

کسانی که بر این باورند که هر حرکتی اصلاحی در جامعه ، گامی است در  
راه زمینه سازی ظهورش ، کسانی که امر به معروف و نهی از منکر و مبارزه با  
فساد ارج می نهند و از راحت طلبی و گوشه گیری می گریزند .

آفتای جمارانی که تا برآمد، ظلمت یلدایی این قبیله سرآمد و دریایی از اندیشه های ناب را پیش چشم ما گسترده و کوشید تا ما ژرفایاب و گوهرجو گردیم و از آن اوج هزاران پایی ، با خاک چنان سخن گفت که ستاره ها با راهیان خسته شب می گویند.

همیشه سبز این سید علی که واژه واژه اش گوهر همان دریاست ، رهبر آگاه و قاطع ایران حضرت آیت الله خامنه ای مدظله العالی ، آن گوهر اندیشه که در صدف ذهن و جان آدمی می نشیند و راستی که دریغ ، اگر نسل ما و عصر ما بر این بیکرانه شکوه چشم نگشاید.

شهیدانی که با نثار کردن خون عزیز خویش چهره انقلاب اسلامی ایران را گلگون ساخته و درخت انقلاب را آبیاری کردند.

دختران والا مقامی که در تمام شرایط امین و تمام کسانی که خالصانه در دفاع از اسلام گام بر می دارند.

## پیشگفتار

گوهر اندیشه آنگاه در صدف ذهن و جان آدمی می نشیند که دریا آشنایی توانا، کران تا کران پهنه معنا را بشکافد و آن شاهکار نهفته در ژرفای واژه ها را فراچشم گوهر جویان بنشانند. گوینده و نویسنده دریا آشنا و دریادل، هر چنه همه توش و توان خویش را در این تکاپوی عاشقانه سودا می کند، همواره به فروع آن اندیشه گوهرین نظر دارد که اگر بتابد، جهان از شکوه روشنی اش لبریز می شود و اگر چنین نبود، آیا خدای حکیم قلم را به سوگند خویش تشرف می بخشید و سایبان تشریف را بر سر واژه ها می گسترد؟

اکنون عرصه ای فراروی عالمان تعهد پیشه گسترده است تا این اندیشه های گوهرین را برای جویندگان حقیقت دست یافتنی کنند و این، شدنی نیست جز از رهگذر همزبانی و همداستانی با نسلی که به زبان و حال و هوای ویژه خود را دارد و کم نیستند فرزاندی که اگر زیبا گفتن و شیوا نوشتن را توانا بودند، بهار را در کویر جان بسیاری از جوانان این عصر و زمان کی در پی یافتن آن عالمان می باشند را به ارمغان می آورد

سرانجام حمد و ستایش ذات مقدسی را سزاست که صفای جلال و جمالش را حدی نباشد، نه انکارش می توان نمود و نه توصیفش می توان کرد. فقط او بی همتاست و کفوی برایش نیست. شکر و سپاس بر او زیننده است که نعمت هایش از مرز شمارش بیرون و به عصیان بندگان رحمتش را دریغ نمی نماید.

سلام و صلوات بر سید مرسلین حضرت خاتم النبیین ﷺ و سلم که بشر را از ضلالت کفر رهائی بخشیده و زنجیر اسارت تعصبات کور و کرکننده را از دست و پایش برداشته و او را به منزل سعادت و کمال رهنمون گشت.

بشر در طول تاریخ و در مسیر زندگی پرمشقت خود همواره در جستجوی کمال و راهیابی به مقصد نهائی آفرینش خود بوده است ، اما معدود افرادی موفق شده اند به هدف و مقصود برسند و به قله مرتفع انسانیت راه یابند. بقیه همچنان در وادی بی خبری و سرگردانی ، راه به جایی نبرده اند. این در حالی است که همه تلاش انبیا و اوصیای الهی بر این بوده است که بشر را از ضلالت و سرگردانی نجات داده و به صراط مستقیم که همان ایمان و دست یابی به کمالات انسانی است هدایت کنند.

اما دریغ و افسوس که در این مسیر، عواملی گوناگون راه را بر آنان مسدود ساخته و به میل خود، نخواستند آن چنان که باید آب حیات را در باغ وجود خویش جاری نموده و غنچه انسانیت را در وجود خود شکوفا سازند. بدون تردید، باید پذیرفت که جهل ، عمده ترین سد راه موفقیت انبیا بوده است . البته شیطان ، این دشمن قسم خورده و سرسخت و نفس اماره سرکش را نیز نباید فراموش کرد هر یک از اینها به تنهایی برای تباهی انسان کافی است .

عجیب این است که با آن همه تلاشهای خستگی ناپذیر و مبارزات پیگیر از جانب رسولان الهی و رنجها و مصائبی که بشر در طول تاریخ خویش تحمل نموده هنوز از خواب غفلت بیدار نگشته و پرده جهل و نادانی را که همچون ابرهای تیره و تاریک مانع از نورافشانی و هدایت عقل و اجابت دعوت پیامبران عظیم الشان است ، کنار نزده و اکنون نیز با در اختیار داشتن ذخایر گرانبها و گنجینه های نفیس آسمانی ، بویژه قرآن کریم و روایات اهل بیت علیهم السلام که به عنوان ودیعه های الهی به یادگار باقی مانده است و ندای قرآن از آیات شریفه آن در گوشها طنین افکن است ، آنچنان که شایسته است ، بهره برداری نمی کنند؛ با این که آدمی ، مکلف است از این رنجها و مصائب و آلام ، خود را

نجات داده و در پرتو تعالیم آسمانی ، قرین سعادت و خوشبختی زندگی نموده و خیر دنیا و آخرت را به دست آورد.

این حقیقتی قطعی و مسلم است که اگر بشر بخواهد به مقام انسانیت برسد چاره ای ندارد جز اینکه به خود آید و پرده جهل و نادانی را بدرد.

پس آنگاه بر اساس موازین عقل و معیارهای شرع نورانی که در قرآن کریم و روایات تجلی یافته است ، خود را بیاراید و تمام مظاهر زیبایی انسان را که همانا ویژگیها و اوصاف مومنین حقیقی است در خود تجلی سازد. آنگاه است که تلاش انبیاء به ثمر می رسد، دنیا مدینه فاضله می شود و مصداق حقیقی خلیفه الله در زمین تحقق یافته و مسجود ملائک می گردد، چنانکه آدم ابوالبشر اینگونه بود و سایر انبیاء علیهم السلام نمونه بارز و الگوی کامل آن بودند. انبیای الهی در پی آن بودند که انسان ، به صورت انسان زندگی کند؛ انسان بمیرد؛ انسان در عالم برزخ زندگی کند و انسان محشور گردد.

اما ظلمت ظلمها و حق کشیها، افق عالم را تاریک و جهان را به ظلمت کده ای تبدیل کرده بود و آرامش و آسایش از زندگی انسانها به کلی رخت بر بسته بود و شاید در هیچ کجای زمین عدل و انصاف حاکم نبود شعار مردم ، بی عدالتی و افتخار و سرافرازی ، در تعدی ها و تجاوزها خلاصه می شده و به آنجا سقوط کرده بودند که اگر شترانشان بره ماده می زائیدند شادمان شده ولکن همسرانشان اگر دختر می آوردند چنان ابرو درهم کشیده و غضب نموده و با صورتی سیاه و سر در گریبان از شدت شرمندگی از میان قوم و قبیله خود می گریختند و مخفی می گشتند مثل کسی که جنایت بزرگ و عمل شنیع مرتکب شده و عاقبت هم این فرزند بی گناه از از دامان مادر دردمند و افسرده ربوده و

با کمال قساوت زنده به گور می کردند و سپس مانند کسی که فتحی بزرگ نموده به محیط تاریک زندگی برمی گشتند.

خدا می داند که چقدر دختران زنده به زیر خاک دفن شدند. به اجمال می دانیم که پدرانی یافت می شدند که به اقرار خود تا هفت دختر خود را به این سرنوشت شوم گرفتار ساخته و بر این باور مباهات می کردند، در یک چنین روزگار تیره که زندگی در آن تلخ تر از زهر بود خداوند متعال بر بشر منت گذارده و حضرت ختمی مرتبت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را مبعوث به رسالت کرد، یکی از اهداف آن سید و سرور بشر، جلوگیری از این ظلم بزرگ و احیاء ارزش زن بود، او با شعار ملکوتی به میدان مبارزه با این سنت غلط آمد و چندان مجاهده نمود تا این خوی زشت را از ضمیر آنان دور ساخت و دانستند که دختر هم از فرزندان ایشان می باشد. حضرتش دارای سه فرزند پسر شد که هر سه از دنیا رفتند و تنها دخترش حضرت فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام باقی ماند. در تربیت و پرورش او کوشید و زهراى مرضیه عَلَيْهَا السَّلَام در دامن پدر به مقامی رسید که او را انسیه حوراء بلکه سیده النساء و عاقبت ام ایها صدا می زد، خواست به جهانیان اعلام نماید که این بانوی با عظمت با آنکه یک زن است ولی در تمام روی زمین همتراز و همراز و همسری برای او جزء علی بن ابیطالب عَلَيْهِ السَّلَام پیدا نشود که اگر او نبود هیچ مردی قابلیت نداشت که در کنار فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام قرار بگیرد.

باری اگر دختران بخواهند جایگاه ویژه خود را بیابند و ملعبه دست هوسرانان شهوت پرست و بازیچه دنیاپرستان کثیف قرار نگیرند، باید زندگی سراسر افتخار حضرت صدیقه کبری عَلَيْهَا السَّلَام را الگوی خود قرار دهند، که راه سعادت همین است و بس. لذا این حقیر که به توفیق الهی در طی مدت زمانی کوتاه با سعی وافر و عزمی راسخ موفق به تدوین این مجموعه گردیدم بدان امید

که شاید با آشنائی گوشه هایی از زندگی آموزنده حضرتش ، پویندگان راه  
سعادت ره نجات را یافته و با پیروی از فرمایشات و اعمال آن بانوی بزرگ دو  
عالم و با شخصیت ترین زنان جهان دردهای جامعه درمان و زندگی به بهشتی  
برین مبدل گردد. آمین رب العالمین

انه ولی التوفیق و حسبنا الله و نعم الوکیل

معصومه حیدری .



## مقدمه

السلام عليكم يا اهل بيت النبوه و موضع الرساله و مختلف الملائكة و مهبوط  
الوحى و معدن الرحمة و خزان العلم و منتهى الحلم .

زیبایی خواهی ، حقیقت جوئی و نوآوری ، از جمله گرایش های فطری  
آدمی است . رغبت و علاقه انسان به سخن و نوشته هدفمند، تاءثیری سحرگونه  
بر جان آدمی دارد و او را مدهوش و سرمست می سازد و مرغ گریزای ذهن  
را به آشیان ذهن انسان می نشاند و مروارید رخشان حقیقت را بر ساحل فهم و  
ادراک او می نشاند.

از همین روی ، قرآن کریم ، این اعجاب شگفت و اعجاز و جاویدان بر  
بلندای قله ادب و بلاغت جای دارد. با این که سده های فراوان از فرود مبارک  
آن سیری می گردد دل و جان اهل ادب همچنان شیفته محتوای جان فرا و بیان  
شیوای این کتاب آسمانی است .

پروردگارا! سپاس و ستایش حقیقی تراست که با قلم قدرت خویش ، جامعه  
بشریت را به زیور علم و دانش آراستی ، و انسانیت را زیر لوای فرهنگ و  
معارف ، تعالی بخشیدی .

اگر جهان ، از کسانی تشکیل می یافت که رشد و پختگی و بلوغ عقلی و  
عملی داشتند، به مسئولیت و تعهد خود کاملاً آگاه و بدان عامل بودند شاید  
اصولا مسائل و مشکلاتی برای زندگی بشر نبود و یا دشواری ها کمتر بوده ولی  
متاسفانه در هیچ جامعه ای وضع بدین گونه نیست و به همین نظر است که  
نابسامانی ها در جامعه بسیار و برخوردها، کج رویها و انحرافات فراوان است .  
حق این است که ما نیز درباره وضع نابسامان جامعه خود بیندیشیم .

این حقیر عوامل و فاکتورهایی یافته که هر کدام موجب و انگیزه ای برای فساد در جامعه است اما وقتی درباره رشد این عوامل نگریسته و در آن تعمق روا داشته ، یافتیم که اغلب دردها، مشکلات از زندگی خانوادگی منشاء می گیرند که آن هم به نوبه خود نشاءت گرفته از آداب و رفتار پدر و مادر نسبت به دختران است .

موضوع درباره آداب رفتار با دختران و بیان اصول و ضوابط آن می باشد و باید روشن شود که رفتار صحیح و اسلامی باعث رشد شخصیتی دختران در نظام خانواده می شود.

بحث در این زمینه محدود و شامل ابعادی از مذهب و آداب ، تربیت ، جامعه شناسی ، حقوق و اخلاق است و در همه حال سعی بر آن بوده است که رعایت اختصار به عمل آید. آنچه را که عرضه می شود منحصر در حد ارائه راهی است که مربوط به والدین می باشد و در عین حال امید است آگاهی و وسعت نظر بیشتری دارند مسائل را با دیدی عمیق تر و عالمانه تر بررسی و عرضه نمایند.

این حقیر نیز مانند دیگران فکر می کنم که اگر در جامعه دختران اصلاح شوند و به نقش و وظایف خود پی ببرند جامعه هم اصلاح خواهد شد. خوشبختی و سعادت جامعه آینده به نیک اندیشی ، وظیفه دانی ، آزادی و وسعت فکر دختران بستگی دارد و سعادت از طریق آنها باید به جامعه سرایت کند.

من در تمام نوشته هایم سعی کرده ام همان گونه که در کارهایم عمل می نمایم عکس العمل داشته باشم و جوهر قلمم را آن چنان بر اوراق بچکانم که جوهر وجودم همان را در ذهن دارد بر صفحه اعمالم می چکاند و از آنجا که

مورد لطف الهی هستم پس از سالها تحصیل در حوزه علمیه و مطالعات پی در پی به فکر افتادم که آنچه در ذهن و یا در یادداشتهای پراکنده نوشته ام در گفتار و نوشتار درست و شیوا بیاورم ، اما چه فکر و چه قلمی قادر به نوشتن فضائل و مقام و حرمت آن دریای بی کران فضیلت و انسانیت است ؟ ولی به دلیل این که هر کس به اندازه توان خویش از این باغ گل می چیند، به لطف قادر منان و کمک اهل بیت علیهم السلام و عنایت دخت نبی مکرم صلی الله علیه و آله و سلم حضرت زهرا علیها السلام ، موفق به نوشتن این مجموعه کوچک شدم .

در این مجموعه سعی شده از مواردی که مخالفت با روایات اسلامی و عقل سلیم دارد، استفاده نشود و آنچه که آورده شده به استناد کتابهای تاریخی معتبر بوده لذا هر مطلبی را تحت عنوانی نوشته ام ، سند آن را نیز در همان صفحه ذکر شده است و خواننده می تواند به آنها رجوع نماید.

حقیر سعی کرده ام مطالب به صورت مختصر و روان آورده شود تا این که مورد استفاده والدین گرامی و عموم علاقمندان قرار گیرد.

به لحاظ این که امکان دسترسی به همه کتب معتبره برای والدین ارجمند و علاقمندان عزیز وجود ندارد، لذا این مجموعه به صورتی نوشته شده که مورد استفاده عموم مخصوصا والدین محترم قرار گیرد.

در این مجموعه از آوردن اشعار عربی و فارسی به طور کلی خودداری شده است .

امید است این تلاش ناچیز مورد قبول حضرت بقیة الله الاعظم حجة ابن الحسن العسکری (عج) روحی له الفداء و رضایت خاطر عزیز پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم حضرت زهرا علیها السلام قرار گیرد.

معصومه حیدری

زمستان 1378.

## فصل اول : مقام و حرمت دختران

دختر کشی و زنده به گور کردن دختران قبل از ظهور اسلام یکی از دردناک ترین و وحشیانه ترین پدیده های عصر جاهلیت عرب پدیده آورده است که در قرآن مجید مکرر به آن اشاره شده . گرچه بعضی معتقدند که این جنایت در همه قبائل عرب عمومیت نداشته ، و تنها در قبیله کنده (یا بعضی از قبایل دیگر) بوده است ، ولی مسلماً مسأله نادری نیز محسوب نمی شده ، وگرنه قرآن با این تاءکید و به طور مکرر، روی آن صحبت نمی کرد.

مفسران گفته اند: در جاهلیت عرب ، هنگامی که وضع حمل زن فرا می رسید، حفره ای در زمین حفر می کرد و بالای آن می نشست ، اگر نوزاد دختر بود، آن را در میان حفره پرتاب می کرد و اگر پسر بود، آن را نگه می داشت<sup>(2)</sup> . امیرمومنان علیه السلام در خطبه قاصعه در مقام تشریح زندگی جاهلی به این کردار زشت اشاره نموده می فرماید:

من بنات مؤدۀ و اصنام معبودۀ . دخترهای کشته و بت های مورد پرستش شعار آنان بود، سخن در اینجا است که آیا این رسم جاهلی در میان چه قبایلی رواج داشت ، مورخان عموماً نظر می دهند که به طور مسلم قبیله بنی تمیم به خون فرزندان خود آلوده بودند و به عقیده گروهی این بیماری به قبایل دیگری مانند قیس ، اسد، هذیل و بکرین وائل نیز سرایت کرده بود.

### عامل پیدایش این جنایات

علت شیوع این عمل در میان قبیله بنی تمیم این بود که قبیله یاد شده از پرداخت مالیات به نعمان بن منذر خودداری کردند و او برای سرکوبی آنان به سرزمین آنان لشکر کشید، احشام آنان را به غارت و زنان را به اسارت برد. پس از چندی مردان قبیله برای جلب عواطف نعمان به حضور او رفتند و درخواست کردند که اسیران بنی تمیم را که غالباً دختر بودند آزاد کند، وی گفت: اختیار با دختران است، آنان می توانند در خانه های اسیر کننده خود بمانند یا با پدران خود به وطن خویش بازگردند. همه دختران بازگشتن به وطن را همراه پدران خود بر اقامت در آن منطقه ترجیح دادند جزء دختر قیس بن عاصم که اقامت نزد اسیر کننده را بر رفتن همراه پدر ترجیح داد، این کار بد بر قیس گران آمد، از این جهت عهد کرد از آن به بعد اگر دارای دختر شد، در همان دوران کوچکی به زندگی او خاتمه دهد، وی به دنبال این جریان در طول عصر خود 17 دختر را زنده زنده به گور کرد و عمل او برای قبایل دیگر الگو گردید. از برخی تواریخ استفاده می شود که انگیزه آنان برای کشتن دختر احساس نفرت از دختر داشتن بود.

و اذا بشر احدهم بالانثى ظل وجهه مسودا وهو كظيم .

هنگامی که یکی از آنان بشارت (تولد) دختر بدهد، چهره او تیره شده و خشم خود را فرو می برد.

یتواری من القوم من سوء ما بشر به ائیسکه علی هون اءم یدسه فی التراب  
الاساء ما یحکمون

از بدی بشارت از قوم خود پنهان می شود و نمی داند که آنها را به ذلت نگاه دارد یا در خاک پنهان سازد، چه بد است قضاوتی که می کنند.

انگیزه دیگر قتل فرزند این بود که نذر می کردند که اگر تعداد فرزندان به حد خاصی رسید و یا حاجت بزرگ او برآورده گردید یکی از فرزندان خود را در برابر بتان قربانی کنند و دو آیه زیر اشاره به چنین انگیزه ای است :

قد خسروا الذین قتلوا اولادهم بغير علم .

به راستی همه کسانی که فرزندان خود را از بی خردی کشته اند زیانکار شدند.

و كذلك زين لكثير من المشركين قتل اولادهم شركائهم ليردوهم وليلبسوا عليهم دينهم

شریکان عبادت (خدایان باطل)، کشتن فرزندان مشرکان را برای آنان زیبا جلوه داد، تا آنان را هلاک سازند و دینشان را بر آنان وارونه نشان دهند.<sup>(4)</sup>

صعصعه بن ناجیه جد شاعر معروف فرزددق که از یاران پیامبر گرامی بود روزی به حضور پیامبر ﷺ رسیده گفت ای پیامبر خدا من در دوران جاهلیت عمل نیکی انجام داده ام شاید الان به دردم بخورد و آن اینکه :

من دو شتر گم کردم و برای پیدا کردن آنها رو به بیابان نهادم به خانه ای رسیدم که دیدم بزرگ مردی در آستانه آن نشسته است از او سراغ شترانم را گرفتم ، وی گفت : چه علامتی داشتند؟ گفتم : علامت شتران دارای قبیله میثم بن دارم بود گفت : هر دو نزد من است . در این موقع پیرزنی از خانه بیرون آمد، آن مرد مهلت نداد که پیرزن سخن بگوید، فوراً گفت : همسرم چه آورده اگر پسر باشد نگاه می دارم و ار دختر باشد زنده بگور می کنم ، پیرزن گفت : دختر است ، در این حالت به من رقت دست داد، خواستم این دختر را از مرگ نجات دهم به او گفتم : این دختر را به من می فروشی ؟

وی در پاسخ گفت : آیا ننگ نیست که انسان فرزند خود را بفروشد و هرگز دیده ای که عرب دختر خود را بفروشد؟ گفتم : می خواهم او را نجات دهم ،

نمی خواهیم او را بفروشم ، سرانجام من او را در برابر آن دو شتر گمشده و شتر دیگری که بر آن سوار بودم خریدم مشروط بر آن که مرا با آن شتر به منزل برساند.

از آنگاه تا به حال من 280 دختر به این قیمت خریده و از کشتن آنها جلوگیری کرده ام . فرزدق در مدح خانواده خود به عمل جد خویش افتخار می ورزد می گوید:...

در عصر جاهلی نیک مردی پیدا می شود که با دادن مقداری از اندوخته مالی خود جان کودکان بی گناه را بخرد آیا در جهان صنعت و تکنیک که بشر به منابع بزرگ طبیعت دست یافته است از چنین مردانی خبری نیست که به جای کشتن بچه های بی گناه پرورشگاههایی برای چنین نوزادان فراهم سازند که هم شرف این گونه از زنان مصون بماند و هم کودکان بی گناه از دست افراد آدم کش مصون گردند.<sup>(6)</sup>



### معاوضه دختران با خواهران

نکاح شغار یکی دیگر از مظاهر اختیارداری مطلق پدران نسبت به دختران

بود.

نکاح شغار یعنی معاوضه کردن دختران . دو نفر که دختر رسیده داشتند با یکدیگر معاوضه می کردند و به این ترتیب که هر یک از این دو مهر آن دیگری به شمار می رفت و به پدر او تعلق می گرفت ، اسلام این رسم را نیز منسوخ کرد.<sup>(8)</sup>

### فرزندکشی در عصر فضاء

متأسفانه بشر عصر فضا که خواهان آزادی سقط جنین است برای آزاد گذاردن زنان در مسائل نامشروع جنسی، سقط جنین را قانونی اعلام می کند و گروهی را بر جان و ناموس مردم و کودکان بی گناه مسلط می سازد و عمل ناموجه خود را چنین توجیه می کند که چون عده ای از دختران و زنان بی شوهر، اغفال و باردار می شوند، و در صورت باردار شدن آبروی خانواده ها بر باد می رود باید این قبیل مادران کورتاژ شوند.

این منطق جز این نیست که به خاطر حفظ آبروی گروهی از زنان هوسران، مرتکب این قتل نفس شویم که از نظر قرآنی کشتن همه انسان ها است، آنجا که می فرماید:

و من قتل نفسا بغير او فساد في الارض فكاءنما قتل الناس جميعا.

هر کس انسانی را بدون این که مرتکب قتل نفس و یا فساد در روی زمین گردد بکشد مثل این است که همه مردم را کشته است. <sup>(10)</sup>

به همان نسبت که انسان به این خداوند بزرگ و عزیز و حکیم نزدیک می شود، شعاع نیرومندی از صفات عالیش، از علم و قدرت و حکمتش، در جان او پرتو افکن می گردد، و از خرافات و زشتکاریها و بدعتهای شوم فاصله می گیرد، اما هر قدر از او دور می گردد، به همان نسبت در ظلمات جهل و ضعف و زبونی و عادت زشت و شوم گرفتار می شود.

فراموش کردن خدا و همچنین فراموش کردن دادگاه عدل او انگیزه همه پستیها و انحراف ها و خرافات است و یادآوری این دو اصل منبع اصلی احساس مسئولیت و مبارزه با جهل و خرافات و عامل توانائی و دانائی است.

(12)



## نقش اسلام در احیای ارزش مقام دختر

... اسلام ظهور کرد و با این خرافه در ابعاد مختلفش سرسختانه جنگید، مخصوصاً تولد دختر را که ننگ می دانستند در احادیث اسلامی به عنوان گشوده شدن ناودانی از رحمت خدا به خانواده معرفی کرد.

و خود پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آنقدر به دخترش بانوی اسلام فاطمه الزهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ احترام می گذاشت که مردم تعجب می کردند، با تمام مقامی که داشت، دست دخترش را می بوسید، و هنگام مراجعت از سفر نخستین کسی را که دیدار می کرد، دخترش فاطمه بود، و به عکس هنگامی که می خواست سفر برود آخرین خانه ای را که خداحافظی می کرد، باز خانه فاطمه عَلَيْهَا السَّلَامُ بود.

در حدیث دیگری از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و سلم می خوانیم که فرمود:

نعم الولد البنات ، ملطفات ، مجهزات ، مونسات مفليات

چه فرزندی خوب است دختر! هم پر محبت است و هم کمک کار، هم مونس است و هم پاک و پاک کننده .

در حدیث دیگری از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می خوانیم :

من دخل السوق فاشترى تحفة فحملها الى عالية كان كحامل الصدقة الى قوم محاويج و ليبدء بالانات قبل الذكور، فانه من فرح ابنته فكانما اعتق رقبة من ولد اسماعيل .

کسی که بازار می رود و تحفه ای برای خانواده خود می خرد همچون کسی است که می خواهد به نیازمندی کمک کند (همان پاداش را دارد) و هنگامی که می خواهد تحفه ای را تقسیم کند نخست باید به دختر و بعد به پسران بدهد،

چرا که دخترش را شاد و مسرور کند چنان است که گویی کسی از فرزندان  
اسماعیل علیه السلام را آزاد کرده باشد. <sup>(14)</sup>

## فصل دوم : نقش خانواده و دختران

### تقدس خانه

از قرآن و روایات اهل بیت استفاده می کنیم آن خانه ای که در آن خانه الفت باشد، در آن خانه ای که خدمت به یکدیگر باشد، در آن خانه ای که نماز و روزه و یاد خدا باشد، در آن خانه ای که قرآن و دعا و راز و نیاز با خدا باشد این خانه در نزد خدا با عظمت است و پروردگار عالم خواسته است که این گونه خانه ها با عظمت باشد، با برکت باشد، برای اهل آسمانها بدرخشد، نظیر ستاره که برای ما درخشندگی دارد و به عکس از قرآن و روایات اهل بیت استفاده می کنیم که آن خانه هایی که در آن خانه ها عداوت باشد، ناسازگاری باشد، در آن خانه ها نماز، قرآن ، دعا نباشد، در آن خانه هایی که گناه باشد این خانه تاریک است ، این خانه ها مبارک نیست و شیاطین در آنها رفت و رشد دارند و مورد نفرت ملائکه اند، قرآن می فرماید:

فی بیوت اذن الله ترفع ویذکر فیها اسمہ .<sup>(16)</sup>

## خانواده مرکز عواطف

خانواده مرکز عشق و عواطف است ، محبت ها، دوستی ها، صلحها، آشتی ها همه گاه از خانه منشاء می گیرند و در ایجاد این عاطفه و دوستی نقش اساسی دارند والدین هستند که می توانند کانون خانواده را مرکز پر از صفا و روشنائی کرده و یا به جهنمی سوزان مبدلش سازند. دل فرزندان دختر در گرو عشق و صمیمیت آنهاست .<sup>(18)</sup>

یکی از افتخارات بزرگ آئین مقدس اسلامی ، توجه خالص و تاءکید فراوان در مورد نظام خانواده است .

جامعه یک مجموعه است متشکل از افراد که طبق قوانین خاصی با هم زندگی می کنند، اگر افراد آن جامعه ، دارای استعدادهای خوب و سپس اخلاق و روحیات عالی باشند، آن جامعه نیز موفق خواهد بود.

خانواده پایه اصلی سعادت هر فرد در جامعه محسوب می شود، به طوری که اگر افراد خانواده بتوانند با روابطی شایسته و مناسب ، روح و جسم یکدیگر را آرامش بخشند و زمینه شکوفا شدن صفات و استعدادهای درونی را آماده کنند، جامعه ای موفق به وجود خواهد آمد.

محیط سالم خانواده ، فضای بسیار مناسبی است برای شکوفا شدن استعدادهای فکری و روحی و جسمی فرزندان ، تا بتوانند، به سعادت خود و اجتماع کمک کنند.

## آداب رفتار با دختران

### نیاز عاطفی

یکی از نیازهای ضروری دختران وجود عاطفه در محیط خانواده می باشد. اگر نیاز عاطفی دختر رفع نشود، کمبود محبت پیدا می شود و با این کمبود عقده پیدا می کند، خدا نکند یک دختر خانمی عقده ای شود چرا که خیلی خطرناک است ، اگر در جامعه ای باشد دست به هر گونه عملی می زند و اگر در جامعه نباشد آدم دل مرده ای بیش نیست .

والدین عزیز در نظر داشته باشید که اگر دختر کمبود عاطفه داشته باشد در خطر است پس مواظب باشید مهم تر از هر چیزی ، نیاز عاطفی دختران است .



## نیاز معنوی

فرق بین انسان و حیوان همین جاست ، حیوان یک بعدی است یعنی فقط غرائز دارد، نیازهای مادی دارد و اگر خیلی بالا برود نیازهای عاطفی دارد. اما انسان این گونه نیست انسان دو بعدی است بعد مادی و تمایلات و بعد روحی و معنویات که روحش از ملکوت سرچشمه گرفته است و به اندازه ای از نظر معنوی بالاست که پروردگار عالم او را به خود نسبت داده و با اضافه تشریفی فرموده است روح من و...

اگر انسان که غذا به روحش نرسیده و این روح مرده است شبانه روز به خاطر آنچه که این آیه شریفه بیان کرده گریه کند جا دارد.

در قرآن آمده است که می فرماید:

ان شر الدواب عند الله الصم البکم الذین لا یعقلون .

بدترین جنبندها (و شقی ترین مردم) نزد خدا کسانی هستند که (از شنیدن و گفتن حق) کر و لالند و اصلا (در آیات خدا) تعقل نمی کنند.

پست تر از هر جنبنده ای کسی است که روحش مرده باشد آن کسی است که عقل دارد تعقل نکند، فکر دارد تفکر ندارد، یعنی روح او مرده است و نظیر این آیات در قرآن فراوان است که اگر انسان از نظر روحی مرد خیلی وضع خطرناکی پیدا می کند و اگر غذا به او نرسید می میرد.<sup>(21)</sup>

## دختر سود خالص

البنات حسنات و البنون نعمة و الحسنات يثاب عليها و النعمة يساءل عنها  
امام صادق عليه السلام فرمود: دختران نیکی ها هستند و پسران نعمت ها، نیکی ها  
پاداش دارند و از نعمت ها سوال می شود (بنابراین دخترها از نظر دینی برای  
پدر و مادر بیشتر بهره دارند).<sup>(23)</sup>

خداوند به هر که بخواند فرزند دختر، و نیز به هر که بخواند فرزند پسر عطا  
می فرماید!<sup>(25)</sup>

### مزیت دختر بر پسر

گاهی موضوع اختلاف دختر و پسر است . زن و مرد هر دو غالبا فرزند پسر را بر دختر ترجیح می دهند و از دختردار شدن خوششان نمی آید. اگر دختر پیدا کردند زن چون چاره ای ندارد سکوت می کند لیکن مرد غالبا اظهار نارضایتی می نماید.

این خوی زشت که متأسفانه عمومیت یا اکثریت دارد از عصر جاهلیت به عنوان یادگار برای ما باقی مانده است که از همان عصری است که مردمش در اصل انسان بودن زن تردید داشتند. از دختردار شدن احساس شرمندگی و حقارت می کردند، دختران بی گناه را زنده زنده به گور می کردند. قرآن مجید احوالشان را یاد کرده می فرماید:

هنگامی که خبر دختردار شدن به یکی از آنان می رسید از خجالت رویش سیاه شده خشمناک می گشت و در اثر آن خبر از مردم پنهان می شد. مردد بود که آیا با خواری و خفت او را نگهداری کند یا در زیر خاک پنهانش سازد، آگاه باشید که بد قضاوتی دارند.

اما اسلام با این افکار غلط مبارزه می کند. زن و مرد را یکسان و برابر قرار می دهد.

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:

علامت خوش قدمی زن این است که اولین فرزندش دختر باشد.

اگر دختر بد بود خدا نسل پیغمبرش را در حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَام قرار نمی داد. آقای محترمی که مدعی تمدن و روشن فکری هستی این افکار غلط را دور بریز. آخر دختر و پسر چه فرقی دارند!

هر دو فرزند و یادگار پدر و مادر هستند. هر دو انسان و قابل ترقی و تکامل هستند دختر نیز اگر با تعلیم و تربیت صحیح پرورش یابد فرد برجسته ای خواهد شد که می تواند نسبت به اجتماع خدمات ارزنده ای انجام دهد و پدر و مادرش را سرافراز گرداند.

### بلکه دختر از جهاتی بر پسر مزیت دارد

اولا نسبت به پدر و مادر مهربانتر و دلسوزتر می باشد. پسر وقتی بزرگ شد و استقلال پیدا کرد غالبا پدر و مادر را به خرج بر نمی دارد و اگر آزارشان نرساند نفعی هم به حالشان نخواهد داشت. لیکن دختر در همه حال نسبت به آنان مهربان و دلسوز خواهد بود. مخصوصا اگر پدر و مادر بین دختر و پسر فرق نگذارند و حقوق دختران را پایمال نسازند همیشه محبوب و محترم خواهد بود.

ثانیا از نظر اقتصاد دختر کم خرج تر از پسر است. زیرا غالبا مدت توقفش در خانه پدر کمتر است. مدت کمی در خانه می ماند سپس با مختصر جهازی به خانه شوهر می رود و دیگر کاری با پدر و مادر ندارد لیکن پسر مدتهای مدید بلکه تا آخر عمر سر بار پدر و مادر است.

ناچارند مخارج تحصیلش را بپردازند، شغل مناسبی برایش پیدا کنند، مخارج دو سال خدمت سربازیش را بپردازند، آنگاه برایش عروسی کنند. خانه و فرش و خرج عروسی و مهر زن می خواهد، بعدا هم هر وقت محتاج شد باز سر بار آنها خواهد شد.

ثالثا اگر پدر و مادر بین دختر و پسر فرق نگذارند و با دامادشان خوش رفتاری کنند و ده یک محبت هایی را که به پسرشان دارند به دامادشان داشته باشند، در گرفتاریها و مشکلات داماد زودتر به یاریشان می شتابد و غالبا با صفاتر و با وفاتر از پسر خواهد بود.

اصولا مگر دختردار شدن تقصیر زن است که شوهر به او ایراد می گیرد زن و مرد هر دو در این باره شریکند، ممکن است زن به شوهرش اعتراض کند که چرا دختر درست کردی؟ واقع مطلب این است که هیچکدام تقصیر ندارند.

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: زمین جایش می دهد و آسمان سایه بر سرش می افکند و خدا روزیش می دهد و گل خوشبویی است که از آن استفاده می کنی

(27)

## ارزش دختران صالح

آنچه در زمینه فرزندان شدن ارزش دارد، و آنچه در این زمینه اولیاء الهی خواستار آن بودند، بدون اینکه فرقی میان پسر و دختر باشد سلامت و وارستگی فرزند بوده است .

از امام علی ع روایت شده است :

ما سئلت ربی اولادا نضر الوجه ، و لاسئلته ولدا حسن القامة ، ولکن سئلت ربی اولادا مطیعین لله ، و جلیین منه ، حتی اذا نظرت الیه و هو مطیع الله قرت عینی

من هرگز از خداوند فرزندان درخواست نکردم که ، خوش منظر و خوش قامت و قد باشند، بلکه آنچه از خداوند خواستم این بود که ، فرزندان به من بدهد که ، مطیع خدا و خدانشناس و خداترس باشند، تا آنگاه چشمم به آنها می افتاد و آنان در حال اطاعت خداوند هستند، چشمم روشن شود و آنان موجب عزت و آبروی من باشند.

پیامبر اسلام ص می فرماید:

الولد الصالح ریحانة من ریاحین الجنة

فرزند صالح و شایسته ، از گلهای بهشتی خواهد بود.

امام صادق ع فرموده است :

میراث الله من عبده المومن ، ولد صالح یتستغفر له

میراث الهی که برای بنده مومنی به جای می ماند، عبارت خواهد بود از

فرزند صالحی که سبب مغفرت آن بنده را فراهم آورد.

پیامبر اسلام ص می فرماید:

خمسة فی قبورهم و ثوابهم یجری الی دیوانهم : من غرس نخلا، و من حفر  
بئرا، و من بنی مسجدا، و من کتب مصحفا، و من خلفت ابنا صالحا  
پنج دسته هستند که پس از مرگ نیز، به پرونده آنان ثواب و پاداش می  
رسد، کسی که درختی بنشانند، آنکه چاه آبی حفر کند، کسی که مسجدی بسازد،  
آنکه قرآنی نگارش دهد، و کسی که از خود فرزند صالح و خدمتگزاری به  
یادگار بگذارد. <sup>(29)</sup>



### حقوق دختر بر پدر

اما حق دختر بر پدر این است که (اولاً) مادرش را (یعنی همسر خود را) احترام کند و با او حرف زشت نگوید، برای دخترش نام نیکو انتخاب کند، سوره نور به او یاد بدهد، ولی سوره یوسف (که ممکن است موجب وسوسه باشد) به او یاد ندهد، دخترش را در طبقه بالا جای ندهد و در شوهر دادن او عجله کند، سپس حضرت صادق علیه السلام فرمود: وقتی دختری را فاطمه نامیدی به او بد مگو، او را نفرین مکن و مزین <sup>(31)</sup>.

### مسئله اجازه پدر از نظر ولایت و از نظر فلسفه

مسئله ای که از نظر ولایت پدران بر دختران مطرح است این است که آیا در عقد دوشیزگان که برای اولین بار شوهر می کنند اجازه پدر نیز شرط است یا نه ؟ از نظر اسلام چند چیز مسلم است :

پسر و دختر هر دو از نظر اقتصادی استقلال دارند، هر یک از دختر و پسر اگر بالغ و عاقل باشند و به علاوه رشید باشند یعنی از نظر اجتماعی آن اندازه رشد فکری داشته باشند که بتوانند شخصا خود را حفظ و نگهداری کنند ثروت آنها را باید در اختیار خودشان قرار داد. پدر و مادر یا شوهر یا برادر و یا کس دیگر حق نظارت و دخالت ندارد.

مطلب مسلم دیگر مربوط به امر ازدواج است ، پسران اگر به سن بلوغ برسند و واجد عقل و رشد باشند خود اختیاردار خود هستند و کسی حق دخالت ندارد. اما دختران : دختر اگر یک بار شوهر کرده باشد و اکنون بیوه است ، قطعا از لحاظ اینکه کسی حق دخالت در کار او را ندارد مانند پسر است و اگر دوشیزه است و اولین بار است که می خواهد با مردی پیمان زناشوئی ببندد چطور؟

در این که پدر اختیاردار مطلق او نیست و نمی تواند بدون میل و رضای او، او را به هر کس که دلش می خواهد شوهر بدهد حرفی نیست و... اختلافی که میان فقهاء هست در این جهت است که آیا دوشیزگان حق ندارند بدون آنکه موافقت پدران را جلب کنند ازدواج کنند و یا موافقت پدران به هیچ وجه شرط صحت ازدواج آنها نیست ؟

البته یک مطلب دیگر نیز مسلم و قطعی است که اگر پدران بدون جهت از موافقت با ازدواج دختران خود امتناع کنند حق آنها ساقط می شود و دختران در این صورت به انفاق همه فقهای اسلامی در انتخاب شوهر آزادی مطلق دارند.

راجع به اینکه آیا موافقت پدر شرط است یا نه؟ چنانکه گفتیم میان فقهاء اختلاف است و شاید اکثر فقهاء خصوصا فقهای متاخر موافقت پدر را شرط نمی دانند ولی عده ای هم آنرا شرط می دانند، قانون مدنی ما از دسته دوم که فتوای آنها مطابق احتیاط است پیروی کرده است.

فلسفه این که دوشیزگان لازم است یا لااقل خوب است بدون موافقت پدران با مردی ازدواج نکنند ناشی از این نیست که دختر قاصر شناخته شده و از لحاظ رشد اجتماعی کمتر از مرد به حساب آمده است. اگر به این جهت بود چه فرقی است میان بیوه و دوشیزه که بیوه شانزده ساله نیازی به موافقت پدر ندارد و دوشیزه هیجده ساله طبق این قول نیاز دارد، به علاوه اگر دختر از نظر اسلام در اداره کار خودش قاصر است چرا اسلام به دختر بالغ رشید استقلال داده است و معاملات چند صد میلیونی او را صحیح و مستغنی از موافقت پدر یا مادر یا شوهر می داند؟

اینجاست که لازم است دختر مرد ناآزموده، با پدرش که از احساسات مردان آگاه است و پدران جزء در شرایط استثنائی برای دختران خیر و برکت و سعادت می خواهند مشورت کند و لزوما موافقت او را جلب کند.

آنچه در این مورد قابل اعتراض است عمل مردم ایرانی است نه قانون مدنی و نه قانون اسلام. در میان مردم غالب پدران هنوز مانند دوران جاهلیت، خود را اختیاردار مطلق می دانند و اظهار نظر دختر را در امر انتخاب همسر و

شریک زندگی و پدر فرزندان آینده اش، بی حیائی و خارج از نزاکت می دانند و به رشد فکری دختر که لزوم آن از مسلمات اسلام است توجهی نمی کنند، چه بسیار عقده هائی که قبل از رشد دختران صورت می گیرد و شرعا باطل و بلااثر است.

عاقدها از رشد دختر تحقیق و جستجو نمی کنند. بلوغ دختر را کافی می دانند. در صورتی که می دانیم چه داستانها از علماء بزرگ در زمینه آزمایش رشد عقلی و فکری دختران در دست است.

بعضی از علماء رشد دینی دختر را شرط دانسته اند، تنها به عقد بستن دختری تن می دادند که در اصول دین بتواند استدلال کند و متاءسفانه غالب اولیاء اطفال و عاقدها این مراعاتها را نمی کنند.

قانون مدنی دارای ماده 1042، که این ماده می گوید:

بعد از رسیدن به سن پانزده سال تمام نیز اناث نمی توانند مادام که به سن هجده سال تمام نرسیده اند بدون اجازه ولی خود شوهر کنند.

طبق این ماده دختر میان پانزده و هجده هر چند بیوه باشد بدون اجازه نمی تواند شوهر کند. در صورتی که نه از نظر فقه شیعه و نه از نظر اعتبار عقلی اگر زنی واجد شرایط بلوغ و رشد باشد و یک بار هم شوهر کرده است لزومی ندارد که موافقت پدر را جلب کند.<sup>(33)</sup>

بردگان و دختران جوان و بی همسری را که صلاحیت دارند، به همسری در آورید و برای آنان تشکیل خانواده دهید.

و ثانیاً، آن طور که از این دستور کلی الهی استفاده می شود و برخی از مفسران قرآن کریم هم بدان اعتراف کرده اند اولاً این دستور غیر از بردگان، یعنی همه پسران و دختران و خلاصه جوانان مجرد و بی همسر را شامل می

شود و ثانيا، همان طور که علامه طباطبائی و ملا فتح الله کاشانی و نویسندگان تفسیر نمونه نیز، با عبارتی مانند الصالحون للتزوج مطرح کرده اند، صلاحیت یک مفهوم کلی گسترده ای دارد، که هر گونه صلاحیت و لیاقت و توانایی فکری ، فرهنگی ، اخلاقی و بالاخره صلاحیت جسمی و بدنی را نیز بر می گیرد.

بنابراین ، برای برقراری ازدواج و تشکیل خانواده ، آن طور که از قرآن کریم استفاده می شود، لیاقت و صلاحیت و سلامت پسر و دختر باید به طور دقیق مورد توجه اولیاء و افراد ذی ربط قرار گیرد، و در صورت عدم چنین صلاحیت و آمادگی ، درصدد چاره اندیشی دیگر و سازندگی لازم برآید.

در زمینه معیار صلاحیت و لیاقت پسر و دختر هم برای تنظیم پیوند زناشویی ، آن طور که از احادیث اسلامی بدست می آید، در مرحله نخست و به عنوان اولویتهای ضروری ، این جهات باید رعایت گردد:

الف) معیارهایی که خانواده دختر، در زمینه ارزیابی داماد به عنوان اساسی ترین ارزش ، باید مورد توجه دقیق قرار دهند، دینداری آگاهانه ، امانتداری و اخلاق و رفتار شرافتمندانه او می باشد.

پیامبر اسلام ﷺ فرموده است :

إذا جائکم من ترضون خلقه و دینه فزوجوه

هر گاه کسی به خواستگاری دختر شما آمد که اخلاق و دینداری او چشمگیر بود و برای شما جلب رضایت و آرامش می کرد، دختر خود را به همسری او در آورید.

امام جواد علیه السلام می فرماید:

من خطب الیکم ، فریضتم دینه ، و امانته کائنا ما کان فزوجوه ...

چنانچه کسی به خواستگاری دختر شما آمد که ، دینداری و امانت داری او موجب خرسندی شما را فراهم آورد، اگر سایر شرایط را هم نداشت دختر خود را به ازدواج او برگزینید.

ب) معیارهایی را هم که خانواده داماد نسبت به عروس و دختری که قرار است او را به همسری فرزند خود در آورند، باید مورد توجه داشته باشند، صلاحیت و شایستگی است که ، عموماً در عفت و پاکدامنی و سلامت اخلاقی دختر خلاصه می شود.

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ می فرماید:

خير نساءكم العفيفة الغلّمة ، العفيفة في فرجها، و الغلّمة على زوجها  
بهترین زنانی را که به همسری خود انتخاب می کنید، افرادی هستند که پاکدامن و نجیب بوده و در برابر شوهر رام و سر به راه باشند.  
روی این حساب ، سلامت و صلاحیت پسر و دختر، چیزی است که می بایست رعایت شود و رعایت این جهات هم در تشکیل تحکیم خانواده ، نقش موثر و سرنوشت سازی خواهد داشت .

## 2. پیوند مودت و رحمت

مودت ، محنتی است بیشتر در دل و آتشین و دو طرفه یعنی هر دو طرف یکدیگر را دوست دارند.

مودت زمینه کشت بذر است که حاصل رحمت می باشد و تا مودت نباشد رحمت نیست .

علی رغم روش برخی از افرادی که در جوامع ما، ازدواج را به صورت یک معامله مادی انجام می دهند، و از این ناحیه با حوادث تلخ و دردناکی هم دست به گریبان می شوند، در اسلام پیوند زناشوئی اولاً به عنوان یک نشانه ای قدرت و حکمت الهی مطرح شده و ثانیاً چیزی که بنیان خانواده را تحکیم و استواری مطمئنی می بخشد، کانون پر حرارت و پر جاذبه مودت و رحمت خواهد بود.

### 3. عظمت و قداست ازدواج

غیر از مرحله مادی و طبیعی ، که موضوع مادی و معقول اجتماعی است ، آنچه در اسلام این پیوند را عظمت و قداست معنوی نیز می بخشد، مرحله انسانی و پاداش الهی است که به دنبال تشکیل خانواده ، صورت می گیرد، و چنین پیوندی عنایت و برکت خداوندی را به دنبال می آورد.

پیامبر اسلام ﷺ فرموده است :

ما من شیء احب الی الله عزوجل من بیت یعمر بالنکاح  
در پیشگاه خداوند متعال ، هیچ کانونی محبوبتر از خانه ای که به وسیله  
ازدواج عمران و آبادی پیدا می کند، نخواهد بود.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

رکعتان یصلیها المتزوج افضل من سبعین رکعة یصلیها العزب  
دو رکعت نمازی که افراد متأهل می خوانند، از هفتاد رکعت نمازی که افراد  
عزب و مجرد انجام می دهند، افضل و برتر خواهد بود!



#### 4. ناپسندی و ناگواری طلاق

به همان میزانی که ازدواج در اسلام، دارای ارزش و ستایش می باشد، طلاق و جدائی زن و شوهر از هم، مورد نکوهش و تنفر واقع شده است!

پیامبر اسلام ﷺ می فرماید:

ما من شیء ابغص الی الله، من بیت یخرب فی الاسلام بالفرقة، یعنی الطلاق هیچ چیزی در نظر خداوند، از خانه ای که، در جامعه اسلامی به وسیله طلاق و متارکه، ویران و خراب می گردد، منفورتر و ناپسندتر نمی باشد!

آن بزرگوار نیز می فرماید:

تزوجوا و لاتطلقوا، فان الطلاق، یهتز منه العرش.

پیوند زناشویی برقرار کنید، و هرگز طلاقکاری نکنید، زیرا طلاق چیزی است که به خاطر آن عرش (که مبداء عدل و رحمت است) به لرزه و اضطراب می افتد!

البته این را هم نباید فراموش کنیم، اصولاً در یک جامعه اسلامی نباید طلاق واقع شده، و پیامدهای دردناک آن انسانهایی را در آتش پر حرارت خود، بسوزاند، اما اگر در شرایط غیر تحملی پیش آید، و در مقایسه خیر و شر، ادامه زندگی و قطع آن، متارکه امتیازاتی داشته باشد، در نهایت، و پس از اینکه همه راه حلها و چاره جوئیها مسدود گردید، طلاق به عنوان یک عمل جراحی، و تنها راه حل و نجات از مشکلات سخت تر، مجاز خواهد بود.

## 5. مسئولیت تشکیل خانواده وظیفه سنگین اولیاء

اولیاء و پدران و مادران نیز، نسبت به پسران و دختران و زیردستان خود وظیفه دارند، زمینه ساز و اقدام کننده برای تشکیل خانواده آنان باشند. باری، موضوع تشکیل خانواده جوانان را اسلام، در مرحله نخست، به عهده والدین گذاشته، و حتی خودداری از ادای این وظیفه سنگین، تخلف و گناه نیز محسوب خواهد شد!

پیامبر اسلام ﷺ می فرماید:

من ادرک له ولد، و عنده ما یزوجه، فاحدث فالاثم بینهما!

هر کس، فرزند او به حد بلوغ و آمادگی برای ازدواج برسد، و او توانائی تشکیل خانواده برای او فرزند خود را داشته باشد، و از این مسئولیت شانه خالی کند، در صورتی که برای آن فرزند لغزش و انحرافی پیش آید، گناه آن برای پدر و مادر و فرزند، هر دو نوشته می شود و هر دو مسئولیت خواهند داشت!

در زمینه ازدواج و تشکیل خانواده برای جوانان مستعد، و افرادی که به نوعی احتیاج به راهنمایی و معاضدت دارند، بار این مسئولیت سنگین تر می شود، چنانکه افرادی هم که به هر شکل ممکن مادی و معنوی، برای ازدواج افراد بی همسر یاری و اقدام مناسب معمول می دارند، و کدخدا منشی مصلحانه می نمایند، از فضیلت و پاداش دنیوی و اخروی بهره مند می گرداند.

بنابراین، در شرائطی که عموماً در شرق و غرب، نظام خانواده از تعهد و مسئولیتهای اخلاقی تهی شده، و نابسامانی و بی بند و باری دردناکی محصول آن گردیده است، در اسلام به منظور تشکیل و تحکیم بنیان خانواده، وسائل و

تهدیدانی به کار گرفته شده ، که هم تعهد اخلاقی و حقوقی می آفریند و هم از بسیاری از عوارض و ضایعات کمرشکن جلوگیری به عمل می آورد.<sup>(35)</sup>

والدین محترم محبت بدون سرچشمه نیست و بدون هدف نیز سودی ندارد. محبت به دختران باید بدون منت و خالصانه باشد و این خود بهترین راه برای نزدیک شدن شما به دختران می باشد زیرا توسط محبت فاصله ها کمتر می شود و شرط اول محبت ، شناخت روحیات دختران است و اولین قدم برای ایجاد محبت شناخت یکدیگر و روحیات طرفین است .

### دختران نیازمند و تشنه محبت هستند

انسان هر قدر هم که بزرگ باشد، چه از نظر سن و یا مقام ، باز از تنهائی گریزان است ، احتیاج به دوستی صمیمی و یکرنگ دارد، دوست دارد علاقه خود را برای کسی که نسبت به وی علاقمند است صرف کند، به شرط آنکه طرف او واقعا به وی علاقمند باشد.

خلاصه آنکه در فضای معادلات و معیارها به طور کلی دگرگون می شود، و انسان به جهات ساختمان روحی خود مثل یک ماهی می ماند که در فضای محبت ، نشاط می یابد و رشد می کند، خطاها، سختی ها، کمبودها، مرضها، همه و همه جلوه دیگری دارند، توگوئی اکسیری است که اگر به سخت ترین مشکلات زده شود آن را راحت و زیبا می کند.

افسوس که قدر این گوهر و ارتباط آن در زندگی خانوادگی و اجتماعی ناشناخته است .

انسان تشنه محبت است ، اگر آب زلال محبتی از کسی یافت با تمام وجود به او علاقمند می شود و انس می گیرد و گرنه به ناچار وقتی آب زلال و شیرین نبود به آب شور هم بسنده می کند<sup>(37)</sup>

دختری که از پدر و مادر و در محیط خانه از لحاظ محبت اشباع شده در جوانی احساس محرومیت و بی پناهی نمی کند تا در مقابل چند جمله مودت آمیز یک جوان غرضان خود را بیازد و آینده خویش را تباه سازد<sup>(39)</sup>

دختران نیز تشنه عشق و محبت اند و باید از محبت های بی شائبه پدر و مادر برخوردار شوند. یک دختر انتظار دارد به او محبت کرده و از صمیم قلب

دوستش بدارند و همچنین اولین چیزی که می تواند اختلافات بین والدین و دختران را از بین ببرد محبت است .

مهربانی و اظهار محبت واقعا اعجاز می کند، زیرا محبت یک پیوند دو طرفه است .

والدین وظیفه دارند مزرعه دل دختران را با محبت و مهر آبیاری کنند چرا که محبت و علاقه درخواست طبیعی اوست و از راه آن چشمش به دنیای آینده باید روشن گردد و راه زندگی را در دل او زنده می سازد. دیدیم که محبت ضروری زندگی دختران است و اهمیتش از اینجا معلوم می شود که برای رسیدن به مرحله محبت اجتماع ناگزیر است از مرحله محبت خانوادگی عبور کند.

ابراز محبت به طرق مختلفی انجام پذیر است که بهترین آن در بغل گفتن و نوازش کردن و بوسیدن است ، این امر مایه جلب محبت و اطمینان دختر از زندگی می شود و از امنیت خاطر بیشتر استفاده خواهد کرد، راز توصیه اسلام که فرزندان را ببوسید از اینجا کشف می شود.

محبت از طریق دیگر ابراز عنایت از راه سخن گفتن با صدای ملایم و دلپذیر و آهنگ و کلام موزون است ، لوح دل دختر چون آینه ای صاف و منزه است و چه بهتر که مملو از احساسات پاک و عواطف انسانی باشد.

میزان محبت باید به حدی باشد که تمام زوایای زندگی دختر را در بر گیرد و روشن کند و به مقداری باشد که رشد کافی جسمی و روانی او را تضمین و او را فردی سالم و متعادل تحویل جامعه دهد.<sup>(41)</sup>

## محبت عامل تربیت

از جمله مسائلی که در مورد تعلیم و تربیت اسلامی مطرح است مسئله محبت و نقطه مقابل آن خشونت است. البته نقطه مقابل محبت معمولاً بغض است، ولی اثر محبت احسان و نرمی است و نقطه و اثر بغض قهراً خشونت است و سخت گیری<sup>(43)</sup>.

انسان تشنه محبت می باشد، محبت حیاتبخش دلهاست. هر کسی نفس خودش را دوست دارد و دلش می خواهد محبوب دیگران باشد، احساس محبوبیت دل را شادمان می گرداند.

کسی که بداند محبوب کسی نیست خودش را در این جهان پر آشوب تنها و بی کس می شمارد، بدین جهت، همیشه پژمرده و افسرده خواهد بود. با احساس محبوبیت می تواند آرام و راحت به رشد و نمو خویش ادامه دهد و در صفات عالی انسانیت تکامل یابد. محبت ریشه اخلاق نیک است. در پرتو محبت می توان احساسات و عواطف را به خوبی پرورش داد و از او انسانی شایسته ساخت.

اما کسی که در محیط سرد و بی عاطفه پرورش یافته و از پدر و مادر مهر و محبت ندیده یک انسان راضی و طبیعی نخواهد بود. کسی که طعم محبت را نچشیده چگونه می تواند آن را نثار دیگران سازد. از یک چنین انسان محرومی نمی توان توقع بشر دوستی داشت.

دین مقدس اسلامی که به مسائل تربیتی کاملاً عنایت داشته و در مورد محبت سفارشهای فراوانی به عمل آورده که در کتابهای حدیث موجود است، از باب نمونه:

امام صادق علیه السلام فرمود:

خدا بنده اش را به واسطه شدت محبتی که نسبت به فرزندش دارد مورد رحمت قرار خواهد داد.

خداوند بزرگ به حضرت موسی علیه السلام فرمود:

محبت اطفال بهترین اعمال است ، زیرا آفرینش آنها بر خداپرستی و توحید است ، اگر در کودکی بمیرد داخل بهشت می شوند.

مردی به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم گفت : تا کنون کودکی را نبوسیده ام ، وقتی

رفت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به اصحابش فرمود:

به نظر من این مرد اهل دوزخ است .

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و سلم فرمود:

کسی که به کودکان مهربانی و به بزرگسالان احترام نکند از ما نیست .

حضرت علی علیه السلام به هنگام وصیت فرمود:

با کودکان مهربانی کن و بزرگان را احترام بگذار.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

کودکان را دوست بدارید و با آنها مهربانی کنید.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

فرزندانتان را زیاد ببوسید، زیرا به واسطه هر بوسه ای درجه شما در بهشت

بالا می رود.

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم به هنگام بامداد دست نوازش بر سر فرزندان و

فرزندزادگانش می کشید. (45)

## آداب رفتار با دختران

### آفات محبت

محبت نظیر قانون جاذبه در این جهان است همانطوری که این جهان پابرجاست روی قانون جاذبه ، خانه و خانواده پابرجاست روی محبت و رحمت ، این جهان از ذره یعنی اتم تا کهکشانها همه و همه به واسطه قانون جاذبه پابرجاست ، اگر یک لحظه قانون جاذبه از جهان برداشته شود نظم آن به هم می خورد و به طور کلی جهان طبیعت نابود می شود همچنین است محبت در خانه ، اگر در خانه محبت نباشد نابود شدنی است ، اگر محبت در خانه نباشد آن خانواده از هم پاشیده می شود و باید بگویم خانه ای که در آن محبت نیست همانند قبری است که در آن عذاب باشد، خانه ای که در آن محبت نباشد زندگی حقیقی در آن نیست بلکه مردگی است ، مرگ تدریجی است آن هم تواءم با شکنجه ، لذا از الطاف پروردگار عالم این است که وقتی تشکیل خانواده شد محبت طبیعی را عنایت می کند رحمت و دلسوزی طبیعی را عنایت می کند.



## 1 تند خوئی :

اول چیزی که محبت را از خانه بیرون می برد و شیشه محبت را می شکند تند خوئی است . اختلاف ، تندی ، پرخاشگری شیشه محبت را زود می شکند.

## 2 فحش و کتک :

اگر یکی از والدین به فرزند خود فحش دهد ولو تقصیری داشته باشد خدا از او قهر می کند، حضرت زهرا علیها السلام و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه طاهرین از او قهر می کنند و از طرفی این فحش به صورت بدی مجسم می شود و رفیق او در عالم برزخ است و در قیامت رسوا است ، رفیق انسان است در قبر و مونس انسان است در برزخ و محشر.

### 3 زخم زبان :

دیگر زخم زبان است که شیشه محبت را می شکند و گناهِش به اندازه ای  
بزرگ است که امام صادق علیه السلام می فرماید: پروردگار عالم فرموده است :

من اهان لی ولیا فقد ارسد لمجاریتی

هر که به یکی از دوستان من اهانت کند به تحقیق به جنگ با من کمین کرده  
است .

اگر کسی به ولی من توهین کند مثل این است که با خدا جنگ کرده است و  
پروردگار عالم فرموده است که هر کس با من بجنگد با او می جنگم و معلوم  
است که خدا با کسی بجنگد دنیا و آخرتش به کجا می رسد. <sup>(47)</sup>

#### 4 خودپسندی :

از دیگر چیزهایی که محبت را از بین می برد منیت و خودپسندی است .  
خودپسندی ، تکبر، خود محوری به اندازه ای خطرناک است که قرآن شریف  
می فرماید: اگر کسی خودشنیده باشد، اگر کسی العیاذبالله خودمحور و متکبر  
باشد افعال و صفات رذیه اش در هویت و ذات او اثر می گذارد و یک آدم  
خودپسند و سرکشی می شود و به اندازه ای سرکش می شود که در روز قیامت  
در مقابل خدا هم خودپسندی می کند، در مقابل خدا هم سرکشی می کند.  
خودپسندی شاخه های بدی دارد که هر شاخه ای میوه ای تلخ دارد که از  
جمله آنها این است که محبت را از دل دیگران می برد.<sup>(49)</sup>

## فصل چهارم : تربیت

### تربیت

اگر پاکی و درستی دوجانبه باشد یعنی هم از جانب فرزند دختر و هم از جانب والدین ، در آن صورت با کمترین جهد صالحترین فرد در این خانواده تربیت می شود.

البته این بدان معنا نیست که در چنین خانواده ای پسران و دختران خود را مطابق با هوا و هوسهای خود رها کنیم ، آنان را بدین فکر متکی سازیم که جامعه همه چیز را برایشان درست خواهد کرد و با برخورد طبیعی و خود به خود افراد با یکدیگر، بر پایه فضیلت تربیت می شوند.<sup>(51)</sup>

بنابراین ، پدران و مادران و بالاخص مادران در قبال فرزندان خویش و اجتماع آینده سعی خواهند نمود و اگر در انجام این وظیفه بزرگ سهل انگاری کنند در قیامت مسؤ ول خواهند بود.

بدین جهت امام سجاد علیه السلام فرمود:

حق فرزندان این است که بدانی که او از تو می باشد.

لیکن یادآوری یک نکته ضرورت دارد، بسیاری از مردم از معنای صحیح تربیت غافل بوده و بین تعلیم و تربیت فرق نمی گذارند. تربیت را نیز یک نوع تعلیم می پندارند، خیال می کنند با یاد دادن یک سلسله مفاهیم و مطالب سودمند دینی یا تربیتی و به وسیله پند و اندرزهای حکماء و شعراء و نقل سرگذشت مردان نیک می توان کودک را کاملاً تحت تاءثیر قرار داد و مطابق دلخواه تربیتش نمود.

بنابراین پدر و مادرائی که درصدد اصلاح و تربیت فرزندان خویش هستند باید قبلاً محیط خانوادگی و روابط خودشان و اخلاق و رفتارشان را اصلاح کنند تا فرزندان‌شان خواه نا خواه صالح و شایسته تربیت شوند.<sup>(53)</sup>

اسلام وسایل چندی برای تربیت به کار می برد که از آن جمله اند:

### تربیت به وسیله سرمشق

عملی ترین و پیروزمندانه ترین وسیله تربیت ، تربیت کردن با یک نمونه عملی و سرمشق زنده است .

بدین جهت محمد ﷺ را برانگیخت تا سرمشقی برای جهانیان باشد:  
در واقع رسول خدا برای شما بهترین مقتدائی است که می توانید از وجودش سرمشق بگیرید.

این نور، در دلها و جانها پرتو افکند، برای مردم راه روشن شد، ره یافته و رهبری شده در این طریق روشن گام برداشتند و به حقیقت رسیدند.

نور محمدی جانها را روشن ساخت ، جانها منور جهانیان بدو دلبستگی پیدا کرد محبتش آنچنان در جانها ریشه دوآید که در عالم بی نظیر بود. هیچ فردی از افراد بشر به درجه محبوبیتی که محمد رسید دست نیافته است . این محبت حتی در دل کسانی که با دین خدا معارضا می کردند هم جا داشت ... دشمنان این راه و دین جدید هم دلشان آکنده از محبت او بود!

محمد سرمشق مردم در زندگی عملی و بر روی زمین بود. با اینکه بشری از آنان بود تمام این صفات و استعدادها را در وجودش نمایان می دیدند و همه این مبادی زنده را تصدیق می کردند، زیرا به چشم خود مشاهده می کردند نه در کتاب می خواندند! این صفات و خصوصیات را در بشری می دیدند، جانهایشان به سوی او پرواز کرده احساسات و ادراکشان به جانب او متمایل می شد.

لذا اسلام روش تربیتی خود را بر اساس همان راه و رسمی می گذارد که آن پیغمبر عظیم الشان ، سکان کشتی اجتماع و زندگی را بدان جهت سوق داد.

کودکی که می بینید پدر و مادرش دروغ می گویند، ممکن نیست راستی بیاموزد.

خانواده تربیت کننده ای است که نخستین بذرهای تربیت را در جان طفل می کارد و رفتار و ادراکات و طرز تفکر او را می سازد. از این جهت سزاوار است خانواده پاک باشد، مسلمان باشد تا نسل مسلمانی پرورش دهد که مبادی و آداب اسلامی در جانشان محقق گردد.

علاوه بر این شایسته است که سیره نبوی و رفتار رسول خدا در زندگانش همیشه بخشی از راه و رسم تربیت باشد. در این خانه و آموزشگاه و کتاب و روزنامه و رادیو، پیوسته سیره پیامبر گفته شود و عملاً اعمال گردد تا دائم یک نمونه عملی از تعلیمات اسلامی زنده و مشخصی در مشاعر و افکار جایگزین شود.



### تربیت کردن با پند و اندرز

استعدادی در جان آدمی است که تحت ، تاءثیر سخن قرار می گیرد. البته این استعداد موقتی است ، لذا گفته باید تکرار شود.

پند و اندرزی که مستقیماً از راه ضمیر باطن و وجدان راه خود را به جان انسان باز کند، آن را سخت به جنبش درآورده نهفته هایش را برمی انگیزد. اگر سرمشق شایسته و درستی وجود داشته باشد، موعظه اثر رسائی در نفس می گذارد و از بزرگترین انگیزه های تربیتی جان می گردد.

از طرفی دیگر موعظه برای نفس ضرورت دارد... در نفس انسان پاره ای انگیزه های فطری است که همیشه احتیاج به ارشاد و تهذیب دارند، و این کار میسر نمی شود جزء با موعظه و پند و اندرز. در این صورت انسان تنها به سرمشق با صلاحیت یا تنها به موعظه اکتفا نکرده هر دو را با هم دریافت داشته است .

امکان دارد که والدین طفل دروغ نگویند... ولی کودک برای تکمیل کمبودهایی که در خود یا خانه یا در پدر و مادرش احساس می کند اقدام به دروغ گفتن می کند! در اینجا ناچار باید به بچه پند و اندرز داد! البته باید بسیار آرام و لطیف و مؤثر باشد تا طفل به راه صواب و اخلاق و خوی نیکو برگردد. قرآن پر از ارشاد و پند و اندرز است :

خداوند به شما دستور می دهد که امانتهای مردم را به صاحبانشان پس دهید، و چون بین مردم به قضاوت و حکمی می پردازد به عدالت داورى کنید، خداوند به بهترین وجهی در این باره به شما پند می دهد.

اینها همه تنها نمونه هائی از پند و اندرزهای قرآن بود و گرنه همه قرآن برای  
اهل تقوا پند و موعظه است! این قرآن بیان کننده حقایق برای مردم و هدایت و  
موعظه برای پروا داران است .

### تربیت با کیفر

چون نمونه های عملی و پند و اندرزهای خیرخواهی سود نبخشید، ناچار باید دست به اقدام شدیدتری زد تا کارها هر یک بر منوال صحیح و درست خود قرار گیرد و چاره قاطع در این مورد به کیفر رساندن است .  
تنبیه برای هر کسی ضروری نیست ، کسی که با سرمشق گرفتن از یک نمونه عملی و یا موعظه ، غنی شده است ، در زندگی هیچ احتیاجی به کیفر پیدا نمی کند.

تنبیه اولین و نزدیک ترین وسیله ای نیست که برای تربیت افراد به خاطر مربی خطور کند. ابتدا پند می دهد و با زبان چرم و نرم او را به عمل خیر می خواند و مدتهای مدیدی صبر می کند شاید جانهای منحرف به راه بیایند و دعوت به خیر را استحباب گویند.

اسلام همه وسایل تربیتی را به کار می برد که هیچ جهت جان انسان متروک و بی توجه نماید. هم سرمشق عرضه کردن را به خدمت می گیرد و هم پند و اندرز، هم تشویق و پاداش را... در عین حال ترسانیدن و بیم دادن را هم در همه مراتبشان از تهدید به تنبیه گرفته تا اعمال تنبیه ، مورد استفاده قرار می دهد.

## تربیت با داستان سرائی

چون اسلام این تمایل فطری افراد را به داستان و تاءثیر افسونگر داستان را در دلها می داند آنرا به عنوان وسیله ای برای تربیت و قوام جانها در استخدام می گیرد.

امر طبیعی است که قصه های قرآنی به طرفی توجیه و ارشاد شده است که برای هدفهای دینی منظور نظر قرآن به کار رود تا آن هدفها محقق گردد. اصولا قرآن کتاب داستانی نیست ، بلکه کتابی تربیتی و ارشادی است ولیکن با چنان دقت و توجهی بیان شده است ، و آنقدر قواعد فنی در آن رعایت گردیده که از وجه نظر هنری و فنی و تاکتیک های تربیتی ، داستان را در خدمت اغراض و هدفهای دینی درآورده است و جزء روشهای پرورش اسلامی ، داستانها را هم مطلقا برای پرورش افراد مورد استفاده قرار می دهد به یک شرط: داستان پاک و درست باشد.

مقصود از پاکی و درستی این نیست که چنان صحنه های درخشانی بدون ذره ای بدی به نفوس بشری عرضه کند!

قرآن بدین ترتیب داستان انسانیت را عرضه می دارد و این همان حقیقت بشری است که در روزگاران و قرون و گردش تاریخ واقع شده است و قرآن آنها را روشن می سازد.

## پرکردن خلاء

اسلام سخت اصرار دارد که انسان از هنگام بیداری تا خواب آنچنان به کار سرگرم باشد که هیچ فرصتی برای شکایت از بیکاری برایش باقی نماند.

این کار بدین معنا نیست که بخواهد مخلوق بشری نیست و نابود شود... هرگز هدف اسلام این نیست. اسلامی که انسان را به لذت بردن از طبیات و پاکیزه های زمین دعوت می کند و یادآور می شود که بهره خود را از زندگی دنیا فراموش نکند چگونه هلاک خود انسان را می خواهد.

غیر از کار، عبادت کردن با عشق و علاقه، یادآوری قلبی خدا، خواب نیمروز در گرما، شب نشینی با خانواده ها و دوستان و گفتن داستانهای پاک و نالوده، دید و بازدید، مزاحها و خوشمزگیهای معقول و ملایم و انواع و اقسام تفریحات شادی بخش هم جزء سرگرمی هستند.

این کار از گواراترین وسائل تربیت جان است خصوصا هنگامی که برای استوار ساختن جان پاره ای از چیزهای مطلوبش را هم از او بازگرفته باشند.

وسیله صحیح پر کردن جای خالی این مطلوب و میل، ایجاد چیز جدیدی است که این رغبت یا سایر امیال و رغبت های خالی شده را به خود مشغول دارد تا پیوندهای جان از درون، یکدیگر را محکم داشته باشند و سلسله های محکمی از داخل جان را نگهدارند. (55)

### ج) لجبازی و یکدندگی :

یکی از شعبه های عصبانیت و عدم تعادل و سلامت اعصاب ، لجبازی و یکدندگی در برخوردها و معاشرتهای اجتماعی است ، شاید کمتر کسی وجود داشته باشد که نمونه هائی از این خصلت شوم و آثار و عوارض تلخی را در خانواده ، در محل کار، در مسافرتها و خلاصه در معامله و معاشرت که برای او پیش آمده ، ندیده باشد، و در رغم آن انگشت تاءسف به دندان نگرفته و اشک تاءثر نریخته باشد!

آری ، همانطور که اشاره کردیم ، لجاجت و یکدندگی یک نوع عدم تعادل روانی و یک بیماری اخلاقی و روانی است و این بیماری دردناک روح و اعصاب انسان را نیز آلوده و فرسوده تر می گرداند!

امام علی علیه السلام فرموده است :

اللجاج یشین النفس

لجاجت و ستیزه جوئی ، جان و روان انسان را آلوده و معیوب می گرداند. برای اینکه از زیانها و آثار دردناک بیماری اخلاقی لجبازی و سرختی های ناروای آن بیشتر مطلع شویم ، مناسب خواهد بود، تعدادی از بیانهای پیشوایان بزرگوار اسلام را در این زمینه به طور دقیق مورد مطالعه قرار دهیم :

امام علی علیه السلام فرموده :

اللجاج یفسد الرای

لجبازی ، راءى اندیشه انسان را فاسد و تباه می سازد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید:

ایاک و للجاجة ، فان اولها جهل و آخرها ندامة

تا می توانید از لجبازی پرهیز کنید، زیرا اول آن نادانی ، و آخر آن پشیمانی  
می باشد!

امام علی علیه السلام فرموده :

اللجاج ینتج الحروب و یوغر القلوب

لجبازی و سرسختی ، آتش جنگها را روشن می گرداند و دلها را داغدار و

سوزان می نماید!<sup>(57)</sup>

اگر پدر و مادر نسبت به دختران خود رفتار عادلانه ای داشته باشند هیچ  
کدام را بر دیگری ترجیح ندهند، در ارجاع کارهای منزل و نوازش و اظهار  
محبت در کلیه معاشرتها و برخوردها عدالت و مساوات را رعایت فرمایند و  
حتی پسر و دختر فرقی بین آنها نباشد، حسادت در دختران به وجود نیامده و  
رشد و نمو نمی کند و باعث نابودی آنان و به خصوص ایمان آنها نمی شود.  
به هر حال ، مقایسه فرزندان با یکدیگر و تعریف و تمجید آنها و به رخ  
کشیدن خوبیهای هر یک را بر دیگری یکی از عوامل مهم حسادت و ایجاد  
دشمنی است که پدر و مادر باید جدا از آن خودداری نمایند.

## خشم

غضب از نهاد انسان مایه می گیرد و یکی از غرائز بشمار می رود. این حالت فوق العاده روانی ، از قلب و مغز شروع می شود و مانند شعله آتش سرتاسر بدن و اعصاب را فرا می گیرد.

حضرت علی علیه السلام فرمود:

از خشم و غضب اجتناب کنید زیرا آغازش جنون و آخرش پشیمانی است .

امام صادق علیه السلام فرمود:

غضب کلید همه شرور و جنایتها است .

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

غضب ایمان را فاسد می کند چنانکه سرکه عسل را خراب می کند.

در حال غضب سخنان ناهنجاری از انسان صادر می شود و کارهای زشتی را انجام می دهد که باطنش را آشکار می سازند و در نظر دیگران رسوا و حقیر می گردد.

حضرت علی علیه السلام فرمود:

غضب همنشین بدی است . عیوب و زشتیها را آشکار می سازد و انسان را به شر نزدیک و از خوبی دور می گرداند.

خشم و غضب های مداوم بدون شک بر قلب و اعصاب انسان آثار سوئی می گذارند و آنها را ضعیف و فرسوده می گردانند.

حضرت علی علیه السلام فرمود:

اگر از نیروی غضب پیروی کنی تو را به هلاکت می افکند. (59)



## سخن چینی

یکی از عاداتهای بسیار زشتی که متأسفانه در بعضی افراد دیده می شود سخن چینی است .

دین مقدس اسلام جاسوسی و سخن چینی را حرام نموده و در مذمت آن احادیثی وارد شده است .

امام محمد باقر علیه السلام فرمود:

بهبشت بر سخن چین حرام شده و داخل آن نخواهد شد.

امیرالمومنین علیه السلام فرمود: اشرار و بدان شما کسانی هستند که به وسیله سخن چینی بین دوستان جدایی می افکنند و برای افراد پاکدامن عیبجوئی می نمایند. سخن چینی انگیزه های مختلفی می تواند داشته باشد، گاهی دشمنی باعث سخن چینی می شود.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

سخن چینی نکنید و به گفتار سخن چین نیز گوش ندهید.

حضرت علی علیه السلام فرمود:

سخن سعایت کننده و سخن چین را تکذیب کنید، باطل باشد یا حق .

پدر و مادر برای اینکه فرزندانشان به این خوی زشت عادت نکنند ابتدا باید

خودشان سخن چینی نکنند<sup>(61)</sup>

## فصل ششم: رفتار اسلامی و صحیح در شخصیت دختران

### ادب

هر پدر و مادری قطعاً میل دارند که فرزندان با ادبی داشته باشند بچه های خوب و باادب اسباب سربلندی پدر و مادر هستند و به وجودشان افتخار می کنند. بچه هایی که در موقع ملاقات با دیگران سلام و به هنگام جدا شدن خداحافظی می کنند، دست بدهند و احوالپرسی کنند، با سخنانی زیبا گفتگو و تعارف نمایند، به بزرگتران احترام بگذارند و جلو آنها برخیزند، به دانشمندان و افراد باتقوا و نیکوکار احترام بگذارند، در مجالس مودب باشند و شلوغ نکنند، در برابر احسان و هدیه دیگران تشکر نمایند، به کسی دشنام ندهند و به دیگران آزار نرسانند، سخن دیگران و قطع نکنند، آداب غذا خوردن را رعایت کنند، بسم الله بگویند و...

این قبیل بچه ها با ادب هستند، نه تنها پدر و مادر بلکه همه مردم بچه های باادب را دوست دارند و از بچه های گستاخ و بی ادب بدشان می آید.

امام علی علیه السلام فرمود:

ادب کمال انسان است .

حضرت علی علیه السلام فرمود:

ادب برای انسان به منزله لباس زیبا است .

حضرت علی نیز در جایی دیگر فرمود:

مردم با آداب خوب بیشتر از طلا و نقره احتیاج دارند.

حضرت علی می فرماید:

هیچ زینتی بهتر از ادب نیست .

امیرالمومنین علیه السلام فرمود:

بهترین ارث پدر این است که فرزندان را با ادب نیک پرورش دهد.

حضرت علی علیه السلام فرمود:

کسی که بی ادب باشد عیبهایش زیاد خواهد بود.

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود:

به فرزندان اجازه بدهید تا هفت بازی کنند و هفت سال به او آداب زندگی

را یاد بده .

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

فرزند سه حق بر پدر و مادر دارد؛ اول اینکه نام خوبی برایش انتخاب کند،

دوم اینکه او را با ادب تربیت کند و سوم همسر خوبی برایش برگزیند.

نهایت آرزوی هر پدر و مادری همین است که فرزندان با ادبی داشته اما این

آرزو خود به خود و بدون کوشش برآورده نمی شود، با پند و اندرز و امر و نهی

غالباً نمی توان فرزندان مودب و دلخواه تربیت کرد.

حضرت علی علیه السلام فرمود:

بهترین ادب این است که خودت شروع کنی .

حضرت علی علیه السلام فرمود:

رهبر باید ابتدا به تعلیم خویش پردازد سپس به تعلیم دیگران ، باید ابتدا با

رفتارش تادیب کند بعد از آن پند و اندرز بدهد.

اما پدر و مادر که خود مودب به آداب نیک نباشد نباید از کودکانشان انتظار

ادب داشته باشند. گر چه صدها مرتبه بگویند و پند و اندرز دهند. بچه هایش

خود فکر می کنند که گفتار پدر و مادر اگر درست بود خودشان عمل می

کردند، پس می خواهند ما را فریب دهند. در این خانواده ای که احترام و سلام و تشکر و خداحافظی نباشد چگونه می توان از بچه های چنین خانواده ای ، انتظار داشت که نسبت به پدر و مادر و سایر مردم ادب را رعایت نمایند! <sup>(63)</sup>

## استقلال و اعتماد به نفس

زندگیش همه اش مبارزه و پیکار و تلاش و کوشش است . هر انسانی در طول عمر با صدها بلکه هزار مشکل مواجه می شود، برای اینکه زنده بماند و زندگی کند ناچار است با قوای طبیعی عالم بجنگد و آنها را مسخر گرداند، با بیماریها و عوامل آنها پیکار نمایند، با تجاوزها و تعدیها و عوامل مزاحم آسایش و آزادی ، مبارزه کند.

در صحنه نبرد زندگی کسی پیروز است که نفس بزرگ و همت عالی و اراده ای نیرومند داشته باشد. ریشه خوشبختی یا بدبختی هر کس در وجودش نهفته است . همت و اراده عالی هر دشواری را آسان بلکه محالات دیگران را نیز ممکن می گرداند. انسان با اراده ، در دریای ژرف زندگی ، مانند پر کاهی نیست که با موج دریا بازی کند و این طرف و آن طرف برود، بلکه شناگر ماهری است که با بازوی نیرومند و اراده آهنین خویش و توکل بر خدا به هر طرف خواست شنا می کند بلکه حوادث جهان را از مسیرشان منحرف می سازد.

کسی که استقلال و اعتماد به نفس داشته باشد برای حل مشکلات در انتظار دیگران نمی نشیند بلکه با همت عالی و اراده آهنین وارد میدان عمل می شود و تا به هدف نرسد دست از کوشش و فعالیت برنمی دارد.

بسیاری از پدران و مادران نه تنها به پرورش استقلال و اعتماد به نفس فرزندان خود کمک نمی کنند بلکه به واسطه سرزنش ها و عیب جوئیهای خود روح استقلال طلبی را در آنان خفه می کنند.

اگر دختر خانم شما میل داشت مستقلا غذا تهیه کند، او را راهنمایی کنید سپس کار را بر عهده اش بگذارید و در آن حالت دخالت نکنید. چه مانع دارد

یک مرتبه هم غذای معیوب تناول کنید؟ از غذا پختن او عیب جویی نکنید، آیا می دانید که عیب جویی و سرزنش های شما چه ضربه بزرگی به روح او وارد می سازد؟ و چگونه او را بی اعتماد به خویشتن می گرداند؟

در زندگی آینده با حوادث و دشواریهای زندگی روبرو خواهند شد، شما هم با آهنگ طبیعت همگام شوید و به ندای استقلال طلبی آنان پاسخ دهید، استقلال طلبی عیب نیست تا با آن مبارزه کنید، بلکه یک استعداد و کمال وجودی است سعی کنید به طریق صحیح از آن بهره برداری نمائید، و آنان را برای زندگی آینده آماده سازید. اصرار نداشته باشید به جای فرزندانتان برای آنها تصمیم بگیرید بلکه آنها را روشن سازید سپس مسئولیت تصمیم و اراده را بر عهده خودشان بگذارید.

## آداب رفتار با دختران

### آزادی

بسیاری از پدران و والدین ، دختران خود را محدود و آزادی را برای آنان سلب می کنند، والدین می گویند: دختران خوب و بد را تشخیص نمی دهند و عقلشان به جایی نمی رسد و اگر آنها را آزاد بگذاریم به فساد می گرایند. دین مقدس اسلام نیز به آزادی عنایت داشته و در این باره احادیثی صادر شده است از باب نمونه :

حضرت علی علیه السلام فرمود:

تو برای دیگران بندگی نکن خدا تورا آزاد آفریده است .

حضرت امام صادق علیه السلام فرمود:

کسی که پنج چیز نداشته باشد وجودش چندان فائده ای ندارد. اول دین ، دوم عقل ، سوم ادب ، چهارم آزادی و پنجم خوش اخلاقی .  
پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

کودک تا هفت سالگی فرو مانده است و از هفت سالگی تا چهارده سالگی فرمانبردار، بعد از چهارده سالگی تا هفت سال و زیر و مشاور پدر و مادر خواهد بود.

اما آزادی مطلق هم امکان پذیر نیست . انسانی که بین اجتماع زندگی می کند نمی تواند کاملاً آزاد باشد. چون همه افراد حق آزادی و زندگی دارند. برای آزادی یک فرد نمی توان حقوق دیگران را نادیده گرفت . (66)

## خوش اخلاق باشید

کسی که خوش اخلاق باشد، با مردم خوشرفتاری کند، با لب خندان سخن بگوید، در مقابل حوادث و مشکلات بردبار باشد، محبوب همه است، دوستانش زیادند، همه دوست دارند با او معاشرت و رفت و آمد کنند، عزیز و محترم است، به ضعف اعصاب و بیماریهای روانی مبتلا نمی شود، بر مشکلات و دشواریهای زندگی پیروز می گردد، از زندگی لذت می برد و بر معاشرانش خوش می گذارد.

امام صادق علیه السلام فرمود:

در هیچ زندگانی گواراتر از خوش اخلاقی نیست .

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

آدم بد اخلاق نفس خودش را در رنج و عذاب دائم قرار می دهد. <sup>(68)</sup>

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرموده :

کامل ترین مردم از لحاظ ایمان ، خوش اخلاق ترین آنها می باشد. بهترین

شما کسی است که نسبت به خانواده اش احسان کند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

هیچ عملی بهتر از اخلاق خوب نیست .

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

عیشی بهتر از خوش اخلاقی نیست .

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

اخلاق خوب نصف دین است .

امام صادق علیه السلام فرمود:



نیکوکاری و حسن خلق خانه ها را آباد و عمرها را زیاد می کند.

امام صادق علیه السلام فرمود:

شخص بد اخلاق خودش را در عذاب می دارد. <sup>(70)</sup>

## خودشناسی و هدفداری

خودشناسی و هدفداری را باید والدین به گلهای سرخ زندگی ، دختران بیاموزند.

حیوان عقل و آگاهی کامل ندارد، خوب و بد را تمیز نمی دهد، بدین جهت ، تکلیف و مسئولیت هم ندارد، حساب و کتاب و ثواب و عقاب ندارد و در زندگی برنامه و هدف عاقلانه ندارد.

اما انسان که اشرف مخلوقات است یک حیوان نیست ، انسان عقل و شعور و آگاهی دارد. خوب و بد را و زشت و زیبا را تمیز می دهد. برای زندگانی همیشگی و جاودان آفریده شده است نه برای نابودی و فنا. بدین جهت ، تکلیف و مسئولیت دارد. خلیفه الهی و امانتدار خدایی است . حاصل عمر انسان نمی تواند خوردن و خوابیدن و شهوترانی و تولید مثل و کار کردن باشد. انسان باید در مسیری حرکت کند که از فرشته ها هم بالاتر رود. او انسان است ، باید انسانیت خویش را پرورش دهد و تکامل دهد، انسان در زندگی هدف دارد اما هدف عالی انسان نه هدفهای پست حیوانی .

امیرالمومنین علیه السلام فرمود:

کسی که نفس خویشتن را نشناسد از طریق نجات دور می گردد و در طریق جهالت و گمراهی واقع می شود.

حضرت علی علیه السلام فرمود:

کسی که سعادت اخروی را هدف خویش بداند به بالاترین خوبیها نائل خواهد شد.

اگر پدر و مادر، خودشناس و هدفدار باشند و به مسئولیت خویش واقف باشند می توانند انسانهای خودشناس و هدفدار پرورش دهند. (72)

پدر و مادر ارجمند اگر خود عهدشکن باشید و به وعده های دروغ دختران را فریب دهید و به وعده های خویش عمل نکنید، با رفتار نادرست خویش به دختران بی گناه درس عهدشکنی می دهید و عملاً به آنها یاد می دهید که انسان می تواند بنا بر مصالح خود، وعده های دروغ بدهد سپس همان وعده ها را نقص کند.

### کمک به صعود و ترقی دختران

بشر بالذات قابلیت ترقی دارد، عشق به کمال در نهادش نهفته و برای تکامل آفریده شده است، هر کس در هر مقام و با هر شرائط و در هر سنی باشد، می تواند به ترقیات خویش ادامه داده کاملتر گردد، انسان که برای هر گونه کمالی آماده است نباید هیچگاه به موجودیت خویش قناعت نموده هدف آفرینش را از دست بدهد، تا زنده است باید بکوشد تا کامل و کاملتر گردد.

هر انسانی خواهان ترقی است، لیکن همه موفق نمی گردند و همت بلند و کوشش فراوان لازم دارد، باید زمینه کار را فراهم ساخت و موانع را برطرف نمود آنگاه کوشید تا به مقصد رسید. (74)

## برقراری انس و الفت

انسان را به یک لحاظ زائیده و نشاءت گرفته از انس دانستیم ، و از نظر اخلاقی و اجتماعی هم ، افرادی که دارای خصلت انس و الفت هستند و جاذبه و گیرایی اجتماعی دارند، مورد ستایش و درخور تقدیر می باشند.

در فرهنگ اسلامی و به استناد قرآن کریم ، از ویژگیها و نعمتهای بسیار بزرگی که به جای کینه ها، کدورتها، عداوتها، اختلافها و جدائیهای خانمانسوز زمان جاهلیت به امت اسلامی عطا شده و پیوسته قرآن مجید یادآوری می کند، که مسلمانان هرگز این نعمت را فراموش نکنند و بلکه در میان خود آنرا بکار گیرند و حفظ کنند، نعمت الفت و اخوت است .

قرآن کریم در این باره می فرماید:

**و اذکروا اذا کنتم اعداء فالف بین قلوبکم فاصبحتم بنعمة اخوانا.**

به یاد آورید که آن روزگار همه شما دشمنان همدیگر بودید، اما خداوند مهربان بین دلهای شما الفت و پیوستگی برقرار نمود و به برکت نعمت اسلامی ، شما برادر یکدیگر شدید.

امام علی علیه السلام ضمن اینکه از الفت و مودت تجلیل به عمل آورد، محور و ملاک انس و الفت را که جدای از انگیزه های گناه آلود و تباه کننده بوده و بر اساس هدف مقدس اطاعت الهی صورت می گیرد، بدین شرح بیان می کند:

طوبی لمن یالف الناس و یالفونه علی طاعة الله .

خوشا به حال کسی که چنین روحیه ای دارد، که با مردم الفت و پیوند برقرار می کند و دیگران نیز بر اساس پاکی و دوستی و اطاعت خداوند، با وی الفت و معاشرت برقرار می سازند.

امام رضا علیه السلام نیز درباره فائده انس و الفت ، برای خانواده و فرد و اجتماع می فرماید:

الانس یذهب بالمهانة

انس و الفت با دیگران ، سستی ها و کمبودها و نواقص اجتماعی را برطرف می گرداند.

بنابراین انس و الفت پیوستگی پرجاذبه ، از خصلت های لازم اخلاقی و اجتماعی است ، دلها را به هم نزدیک و مهربان و همدل می کند و معیار و ملاک آن هم باید عواطف انسانی و ارزشهای معنوی باشد و خاصیت چنین روابطی هم در کانون خانواده ها و سطح جامعه ، زدودن کجی ها و کاستی ها و نواقص اخلاقی و فرهنگی و بالاخره دریافت منافع مادی و معنوی خواهد بود.<sup>(76)</sup>

## هدیه دادن

اصل این سنت ، یک سنت محبوب و مطلوب اسلامی و اخلاقی و اجتماعی است و بدین لحاظ باید رهنمودهای شرع و پیشوایان اسلام ، در آن به کار گرفته شود از این جهت موارد زیر را مورد مطالعه قرار می دهیم :

امام صادق علیه السلام فرموده :

تهادوا تحابوا، فان الهدیه تذهب بالضغائن .

برای همدیگر هدیه ببرید، تا مورد مهر و محبوبیت یکدیگر واقع شوید، زیرا هدیه و چشم روشنی بردن ، کینه ها و کدورت‌های قلبی افراد را برطرف می کند.

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرموده :

من تکرمه الرجل الاخيه المسلم ان يقبل تحفت ، او قیحفه مما عنده ، و لا یتکلف سئیا.

از نشانه های احترام گذاشتن به برادر مسلمان این است که انسان هدیه و تحفه او را قبول کند، یا اینکه توانایی دارد برای او هدیه و چشم روشنی ببرد، اما خود را در این باره ، به مشقت و خرج سنگین نیندازد!

امام صادق علیه السلام می فرماید:

نعم الشی الهدیه امام الحاجة

بهترین کار این است که انسان برای کسی هدیه ای ببرد که به آن احتیاج داشته باشد و آن هدیه بتواند برای او مشکلی از مشکلات زندگی را حل نماید.

امام علی علیه السلام می فرماید:

نعم الهدیه الموعظه

بهترین هدیه ای که برای دیگران می توان برد، عبارت از موعظه و نصیحت آموزنده و سازنده خواهد بود.

بنابراین ، در مورد هدیه بردن ، همه نیروها نباید، صرف مظاهر مادی شود، در این زمینه با هدیه دادن یک کتاب خوب ، آموزنده و مناسب و هر سخن و چیزی که ارزش اخلاقی و هدایتگری داشته باشد، می توان نسبت به خانواده ها و جمعیتی ، خدمت فرهنگی به جای ماندنی و جاویدان هم انجام داد، که خوشبختانه این روش هم در جامعه اسلامی امروز ما، اهمیت و گسترش چشمگیری پیدا کرده است و بسیار درخور تقدیر خواهد بود که این کار رایجتر و راسختر و عمومی تر شود. (78)



## نصیحت و خیرخواهی

الف اهمیت نصیحت در سازندگی اخلاقی :

اصل نصیحت کردن و خیرخواهی نمودن ، و یکدیگر را آینه وار متوجه معایب و اشتباهات ساختن ، شیوه بسیار پسندیده ای است که مورد توصیه پیشوایان عالی مقام اسلام قرار گرفته و در یک جامعه اسلامی هم این حالت می تواند جریان رشد و تعالی معنوی راه به صورت یک پیوند معنوی و انسانی ، در همه ابعاد زندگی سرایت دهد؛ و چنانچه این ویژگی در سطح جامعه به فراموشی سپرده شود، خیر و سعادت ، نیز دامن برمی چیند و عواقب و عوارض دردناکی به وجود خواهد آمد.

امام علی علیه السلام فرموده است :

لاخیر فی قوم لیسوا بناصحین ، و لایحبون الناصحین .

در ملتی که یکدیگر را نصیحت و سفارش به نیکی ها نمی کنند و نیز افراد نصیحت گر را دوست نمی دارند و با آنان برخورد مناسب ندارند، هیچگونه خیری و سعادت مندی وجود نخواهد داشت !

آن حضرت درباره تاءثیر نصیحت و خیرخواهی ، و توجه داشتن به دیگران می فرماید:

المواعظ شفاء لمن عمل بها

موعظه ها و اندرزهای سودمند، شفا و درمان دردهای اخلاقی و روانی افرادی است که بدان عمل می کنند.

## ب چگونه باید نصیحت کرد؟

کسی که می خواهد دیگری را نصیحت کند و با این کار اشتباهاتی را مبدل به صواب ، نواقصی را تبدیل به کمال ، و خلاصه شخص خلافاکاری را به صراط مستقیم هدایت گرداند، همانطور که امام زین العابدین علیه السلام فرموده : باید روحیه رحمت و شفقت ، نرمش و ملایمت داشته و خلاصه باید روحیه خیرخواهی و مسالمت ، به این مسئولیت مهم اخلاقی و دینی اقدام نماید.

همچنین از روشهای نصیحت آمیزی که در ملاء عام و در حضور دیگران بوده و موجب اهانت و اذیت و ضربه زدن به حیثیت و خورد کردن شخصیت دیگری باشد به طور جدی خودداری نماید!

امام علی علیه السلام فرموده است :

نصحک بین الملاء تقریع

اگر کسی در حضور افراد برای نصیحت و توجه طرف به لغزشهای او اقدام کند، با این عمل شخصیت او را ضربه دار و خورد کرده است !  
به هر حال ، این کار مسئولیت بسیار ظریفی است ، آگاهی و دانائی می خواهد و بر اساس آگاهی و توانائی ، و حتی خود اهل صداقت و عمل بودن است که می شود خلافاکار را بیمار دانست و طبیبانه به اصلاح او پرداخت .  
برای این منظور، راهنمائیهای خالصانه و دلسوزانه پیشوایان بزرگوار اسلام ، که بر اساس آن منافع نصیحت پذیری و زبانهای گردنکشی و خودداری از نصیحت پذیری را بیان می دارد، شایان وقت است و می تواند برای همه ما راهگشا و سازنده باشد.

امام علی علیه السلام فرموده است :

اسمعوا النصيحة ممن اهداها اليكم ، و اعقلوها على انفسكم .  
نصيحت آن کس را که به منظور راهنمائی و هدايت شما انجام می شود گوش  
کنید و مورد توجه قرار دهید و جهت سازندگی خود به آن فکر کنید.  
آن حضرت نیز می فرماید:

من بصرک عيبک و حفظک في غيبک فهو الصديق ، فاحفظه .  
هر کس که تو را نسبت به معایب و نواقص تو آگاهی می گرداند و در غیاب  
نیز ترا حفظ و حراست می گرداند، دوست واقعی تست و نیز تو باید برای حفظ  
و نگهداری او مراقبت معمول داری .  
آن بزرگوار در بیان دیگری فرموده :

مرارة النصح انفع من حلاوة الغش  
تلخی نصیحت پذیری ، از شیرینی رفتار کسی که تو را فریب می دهد، و  
خرسند می گرداند، شیرین تر خواهد بود!  
امام باقر علیه السلام می فرماید:

اتبع من يبكيك و هو لك ناصح و لا تتبع من يضحك و هو لك غاش  
از نصیحت کننده خیرخواهی که تو را راهنمائی می مند، اگر چه نصیحت او  
موجب گریه تو شود پیروی کن ، اما از کسی که به خاطر خوشایند تو را می  
خنداند، ولی تو را اغفال می نماید، هرگز شنوائی و اطاعت بخرج مده .  
امام علی علیه السلام می فرماید:

من ابان لك عيوبك فهو و دودك ، و من سائر عيبك فهو عدوك .  
هر کس عیب و ایراد تو را روشن می گرداند، دوست صمیمی تو است و آن  
کس که روی نواقص و ضعفهای تو پرده پوشی می کند و تو را در اغفال و  
نادانی نگه می دارد، یقیناً دشمن تو خواهد بود.

آن حضرت در بیان دیگری می فرماید:

لا ترددن علی النصیح

هرگز در مقابل شخص نصیحت کننده ، در مقام پاسخگویی و جواب رد دادن و ظفره رفتن از مسیر اصلاح بر نیا.

آن بزرگوار، در بیان بسیار ارزشمند و حکیمانه ای می فرماید:

من قبل النصیحة امن من الفضيحة

آن کس که نصیحت ها و راهنماییهای دلسوزانه افراد را می پذیرد و در صد بکارگیری و اصلاح معایب خویش برمی آید، از رسوائیها و فضاحتها ناراحت کننده و شرم آور محفوظ می ماند!

این را هم باید توجه داشته باشیم که روحیه نصیحت پذیری و گوش شنوا داشتن ، اضافه بر اینکه از یک نوع سلامت روان و انصاف و مروت داشتن حکایت می کند، یک نوع توفیق الهی و عنایت خداوندی هم نسبت به انسان می باشد. به همین دلیل افرادی که اسیر خودخواهی و غرور و لجبازی هستند، توفیق نصیحت پذیری را از ذات مقدس خداوند باید درخواست نمایند، تا به کمک عنایت خداوندی به این راز موفقیت دست یابند.

امام علی علیه السلام می فرماید:

من اکبر التوفیق ، الاخذ بالنصيحة

از بزرگترین توفیقها و عنایات خداوند نسبت به بنده این است که در وجود وی روحیه نصیحت پذیری وجود داشته باشد.

- (1) - ناصر مکارم شیرازی ، تفسیر نمونه ، ص 176، جلد 26.
- (2) - همان ، ص 270، جلد 26.
- (3) - علی ، ربانی خلخالی ، زن از دیدگاه اسلام ، ص 50 - 45.
- (4) - ناصر مکارم شیرازی ، تفسیر نمونه ، ص 247 270، جلد دوم .
- (5) - علی ، ربانی خلخالی ، زن از دیدگاه اسلام ، ص 49.
- (6) - مرتضی ، مطهری ، نظام حقوق زن در اسلام ، ص 88.
- (7) - همان ، ص 89.
- (8) - همان ، ص 239.
- (9) - علی ، ربانی خلخالی ، پیشین ، ص 47.
- (10) - ناصر، مکارم شیرازی ، تفسیر نمونه ، ص 178، جلد اول .
- (11) - همان ، ص 269.
- (12) - سید علی ، کمالی (دزفولی) ، قرآن و مقام زن ، ص 41-48.
- (13) - ناصر، مکارم شیرازی ، تفسیر نمونه ، ص 274-276، جلد 26.
- (14) - سید رضا، پاک نژاد، روش شوهرداری در اسلام ، ص 79.
- (15) - نور 36.
- (16) - حسین ، مظاهری ، اخلاق در خانه ، ص 101-105.
- (17) - علی ، قائمی ، تشکیل خانواده در اسلام ، ص 250.
- (18) - سید علی ، کمالی (دزفولی) ، قرآن و مقام زن ، ص 51-53.
- (19) - سید محمد، نجفی ، ازدواج و روابط زن و مرد، جلد 2، ص 3-4.
- (20) - حسین ، مظاهری ، پیشین .
- (21) - سید محمد، نجفی ، پیشین ، ص 149.
- (22) - همان ، ص 150.
- (23) - شوری ، 59.
- (24) - احمد، صادقی اردستانی ، اخلاق خانواده ، ص 73.
- (25) - پیشین ، ص 148.

- (26) - ابراهیم ، امینی ، آئین همسررداری ، ص 404-408.
- (27) - احمد، صادقی اردستانی ، اخلاق خانواده ، ص 74-77.
- (28) - همان ، ص 74-79.
- (29) - ابراهیم ، امینی ، آئین تربیت ، ص 309-312.
- (30) - سید محمد، نجفی ، پیشین ، ص 156.
- (31) - ابراهیم ، امینی ، پیشین ، ص 3-5.
- (32) - مرتضی ، مطهری ، پیشین ، ص 91-99.
- (33) - نور 32.
- (34) - احمد، صادقی اردستانی ، اخلاق خانواده ، ص 21-29.
- (35) - محمد، قطب ، روش تربیتی اسلامی ، ترجمه سید محمد مهدی جعفری ، ص 316.
- (36) - سید محمد، نجفی ، پیشین ، ص 61.
- (37) - همان ، ص 66.
- (38) - ابراهیم ، امینی ، آئین تربیت ، ص 119.
- (39) - ابراهیم ، امینی ، آئین همسررداری ، ص 15.
- (40) - علی ، قائمی ، نقش مادر در تربیت ، برداشتی از ص 91-96.
- (41) - ابراهیم ، امینی ، آئین تربیت ، ص 177-180.
- (42) - مرتضی ، مطهری ، تعلیم و تربیت در اسلام ، ص 218.
- (43) - همان ، ص 224.
- (44) - ابراهیم ، امینی ، آئین تربیت ، ص 119-126.
- (45) - سید محمد، نجفی ، ازدواج و روابط زن و مرد، جلد 2، ص 66-71.
- (46) - حسین ، مظاهری ، اخلاق در خانه ، ص 119-205.
- (47) - همان ، برداشتی از ص 207.
- (48) - همان ، ص 218.
- (49) - همان ، ص 344-346.
- (50) - محمد، قطب ، روش تربیتی اسلام ، ترجمه سید محمد مهدی جعفری ، برداشتی از ص 306-307.
- (51) - همان ، ص 307.
- (52) - ابراهیم ، امینی ، آئین همسررداری ، ص 236-240.

- (53) - سید محمد، نجفی ، ازدواج و روابط زن و مرد، ص 160.
- (54) - محمد، قطب ، روش تربیتی اسلام ، ترجمه سید محمد مهدی جعفری ، ص 244-286.
- (55) - احمد، صادقی اردستانی ، اخلاق خانواده ، ص 153-158.
- (56) - همان ، ص 161.
- (57) - ابراهیم ، امینی ، آئین تربیت ، ص 274.
- (58) - همان ، ص 285.
- (59) - همان ، ص 288 290.
- (60) - همان ، ص 292 294.
- (61) - همان ، ص 364 369.
- (62) - ابراهیم ، امینی ، آئین تربیت ، ص 261 264.
- (63) - ابراهیم ، امینی ، آئین تربیت ، ص 21-22.
- (64) - ابراهیم ، امینی ، آئین تربیت ، ص 174-179.
- (65) - همان ، ص 185-186.
- (66) - همان ، ص 206-209.
- (67) - ابراهیم ، امینی ، آئین همسررداری ، ص 35-36.
- (68) - همان ، ص 40.
- (69) - همان ، ص 274.
- (70) - ابراهیم ، امینی ، آئین تربیت ، ص 223-224.
- (71) - علی ، قائمی ، نقش مادر در تربیت ، ص 247-249.
- (72) - ابراهیم ، امینی ، آئین تربیت ، ص 214-215.
- (73) - ابراهیم ، امینی ، آئین همسررداری ، ص 93.
- (74) - همان ، ص 254-257.
- (75) - احمد، صادقی اردستانی ، اخلاق خانواده ، ص 367-369.
- (76) - احمد، صادقی اردستانی ، اخلاق خانواده ، ص 269.
- (77) - احمد، صادقی اردستانی ، اخلاق خانواده ، ص 391-394.
- (78) - سیدرضا، پاک نژاد، روش شوهررداری در اسلام ، ص 80.
- (79) - احمد، صادقی اردستانی ، اخلاق خانواده ، ص 172-177.

## فهرست مطالب

2	اهداء.....
4	پیشگفتار.....
9	مقدمه.....
13	فصل اول : مقام و حرمت دختران.....
14	عامل پیدایش این جنایات.....
17	معاوضه دختران با خواهران.....
18	فرزندکشی در عصر فضاء.....
20	نقش اسلام در احیای ارزش مقام دختر.....
22	فصل دوم : نقش خانواده و دختران.....
22	تقدس خانه.....
23	خانواده مرکز عواطف.....
24	آداب رفتار با دختران.....
24	نیاز عاطفی.....
25	نیاز معنوی.....
26	دختر سود خالص.....
27	مزیت دختر بر پسر.....
29	بلکه دختر از جهاتی بر پسر مزیت دارد.....
31	ارزش دختران صالح.....
33	حقوق دختر بر پدر.....
34	مسئله اجازه پدر از نظر ولایت و از نظر فلسفه.....
39	2. پیوند مودت و رحمت.....
40	3. عظمت و قداست ازدواج.....



41	4. ناپسندی و ناگواری طلاق .....
42	5. مسئولیت تشکیل خانواده وظیفه سنگین اولیاء .....
44	دختران نیازمند و تشنه محبت هستند .....
46	محبت عامل تربیت .....
48	آداب رفتار با دختران .....
48	آفات محبت .....
49	1 تند خوئی :
50	2 فحش و کتک :
51	3 زخم زبان :
52	4 خودپسندی :
53	فصل چهارم : تربیت .....
53	تربیت .....
55	تربیت به وسیله سرمشق .....
57	تربیت کردن با پند و اندرز .....
59	تربیت با کیفر .....
60	تربیت با داستان سرائی .....
61	پر کردن خلاء .....
62	ج) لجبازی و یکدنگی :
64	خشم .....
65	سخن چینی .....
66	فصل ششم : رفتار اسلامی و صحیح در شخصیت دختران .....
66	ادب .....
69	استقلال و اعتماد به نفس .....
71	آداب رفتار با دختران .....
71	آزادی .....
72	خوش اخلاق باشید .....

74	..... خودشناسی و هدفداری
76	..... کمک به صعود و ترقی دختران
77	..... برقراری انس و الفت
79	..... هدیه دادن
81	..... نصیحت و خیرخواهی
82	..... ب چگونه باید نصیحت کرد؟
88	..... فهرست مطالب